



خان داشتیم تا خان!

یادداشتی از استاد منصور یاقوتی:

با افسوس باید گفت که به دلیل کردارهای ناپسند چند خان در گوشه و کنار کشور یا در غرب ایران و یا در لرستان و پشت کوه ... خوانینی که بودند و خدمات ارزنده ای در زمینه ساخت مدرسه، ساخت پل و یا فرهنگ و موسیقی انجام داده، چهره شان در پس ابرهای آوازه گری آن چند تن دیده نشود. در سال ۵۳ من که معلمی ساده بودم، دست تقدیر یاسر نوشت من را در منطقه کلیایی ...



امید و نگاه واقع‌بینانه

ما امیدواران مایوسیم

یادداشتی از دکتر نیره مردی

سر مقاله

چرایی‌های هویت‌گریزی

چقدر در حفظ هویت خود سهم داریم؟



جلیل آهنگرنازاد

آیا این دیگران هستند که ما را از فرهنگ، زبان و هویت خویش دور کرده‌اند؟ یا خود ما سهمی ویژه‌تر در این هویت‌گریزی داریم؟ امروزه کم نیستند افرادی که در این فلات متنوع زندگی می‌کنند و با اصطلاحی تلخ به نام «آسیمیلیسیون» آشنا هستند. ولی بخش تاریک بحث آنجاست که همه‌ی بار هویت‌گریزی را بر دوش سیاست حاکم بر جامعه می‌دانند در حالی‌که از توانمندی‌های خود برای حفظ هویت فردی و اجتماعی غافلند. تاریخ یکصد و پنجاه ساله‌ی اخیر نشان داده است که فرهنگ‌ها و زبان‌های غیر رسمی در چنین کشوری، همزمان از دو جهت مورد حمله قرار می‌گیرند. ابتدا این «آمریت» است که با قدسی‌سازی یک زبان و فرهنگ، دیگر فرهنگ‌های تاریخی را نادیده می‌انگارد و تمام مساعی خویش را برای فروکاستگری در امر وجودی آنها به کار می‌گیرد. دومین جهت حمله که بخشی از آن محصورول چنین نگاه فروکاستگرانه‌ای است، هویت‌گریزی خود مردمی است که از «سوژگی» گذر داده‌می‌شوند و «اُپژوار» تسلیم خواست «دیگری‌سازان» قرار می‌گیرند. ادامه در ص ۲

ویژه

به بهانه روز خبرنگار

راهی به سوی هیچستان

از کجا معلوم که سیاست خود دولتها نباشد؟ چرا رسانه به طور عموم مسـبـیر عقیم شـشـدگی را طی می‌کند؟ چرا بوقچی‌هایی که عموماً کمترین سواد ِ عرصه‌ی رسانه ندارند، بازیگران همه‌کاره در میدان خالی رسانه‌های مکتوب و مجازی شده‌اند؟ پیامد چنین خطاهای آشکاری چیست؟ زبان اصلی متوجه چه کسانی می‌شود؟ آیا این شگرد یک نوع مهندسی نامحسوس فضای رسانه است؟ و... اینها و بیشتر از اینها پرسشهایی هستند که ذهن بسیاری از اهالی راستین رسانه را به خود مشغول داشته است...

جامه ک

یه‌خیگ که تامازروو خوهر بۆ

هه‌لگه‌ر دانیگ له سایر سه‌بووری

ز مسان بار خوهی به‌ساؤدووه‌هار وه نه‌ر مه نه‌رم هاتۆد. گوله‌پل و سه‌ه‌وزه‌پل یه‌کئ یه‌کئ سه‌ره له‌ژێر خاک دهر هاوردیان. تالاشه‌ی یۆچگ یه‌خ نیشـتۆده لای سان گه‌ورا. تمام ز مسان سه‌ر ناۆده سینه‌ی سان. جی خاسـتـیگ نه‌ر‌ای خه‌فتن بۆ. وای سه‌ره‌ی که له‌لۆتگه‌ی کۆه‌سان هاتبا گیان یه‌خ ڤـچـانۆد و قورس و سه‌ختی کردۆ. له‌شێوه‌ک شیشه‌پرووشن بۆ...



که یوو مه‌رس مورادی شاعیر پایه‌به‌رز کورد دیلران کووچ دۆایین کرد

کوردی نۆرمه ده‌نگ هووره‌ی باوکه ده‌مه‌قه‌ی باپیرمه

صدای آزادی: در روزگاری که زبان

مادری برای بسیاری از هموطنان در

تنگناهای عجیبی گرفتار شده،

خادمان آن، شریف‌ترین و فداکارترین

انسان‌ها هستند. آنها یا با پژوهش و کار

علمی و یا با زبان عشق و ترانه و شعر در

این عرصه، هنرنمایی می‌کنند. امروز

روز سوگ یکی از این خادمان شیفته‌ی

زبان و فرهنگ کوردی است.

کیومرث مرادی شاعر نام‌آشنای دیار

دهلران که «کوردی سروده» هایش برای

بسیاری طعم ناب عشق دارد، امروز در

حالی به ابدیت کوچید که نامی معتبر

برای ماندگاری به جا گذاشت. براستی

وقتی هنرمند هنرش را در زبان

مادری (کوردی) ثبت می‌کند، بسیاری

آنانی که با عشق به چنین گنجینه‌ای

هواخواه او و آثارش می‌شوند.

این جریان هواخواهی و دوستداری در

فرهنگ کوردی همواره به شیرین‌ترین

شکلش خودنمایی کرده است. حتی

شاعران متوسط هم از چنین مهری از

جانب مردمان کورد بر خوردار بوده‌اند

حالا شاعر ارزنده‌ای مثل زنده یاد

کیومرث مرادی جای خود را دارد.

...

شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه با رویکرد بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مشترک با اداره‌کل آموزش های فنی و حرفه ای استان افتتاح کرد:

مرکز کارآموزی جوار بین کارگاهی

خواهد گردید.همچنین جهت برگزاری دوره های آموزشی غیرفنی نیز مذاکراتی صورت پذیرفته که در آینده تبدیل به دوره های اجرایی خواهد شد.

لازم به ذکر است بررسی امکانات و تجهیزات آموزشی، توانمندی های دو دستگاه جهت ارتقاء و گسترش همکاری، نیازهای آموزشی کارکنان توزیع و تعریف بازه های زمانی جهت آموزش کارکنان، انعقاد تفاهم نامه همکاری و ادامه آموزشها در سال های آتی، صدور گواهینامه مشترک آموزشی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

خانم سالمی معاون آموزش و پژوهش و برنامه ریزی فنی و حرفه ای استان کرمانشاه گفت:از محدود استان هایی هستیم که با مجموعه هایی همچون شرکت توزیع نیروی برق یا خدمت رسان همکاری می کنیم و ما در تمام لحظات زندگی به یک سری مجموعه ها وابسته هستیم که برق یکی از آنها است و شرکت توزیع همیشه ارزش های آموزشی را در جهت ارتقا سطح همکاران شرکت حفظ کرده است. وی اظهار داشت:با این تفاهم نامه آموزش ها در راستای قوانین فنی و حرفه ای و نیز توزیع برق قرار خواهد گرفت و دوره های آموزشی مهارتی و فنی در سطح استان برگزار

و حرفه ای ظرفیت خوبی است که باید از آن به درستی استفاده نمود و ما خواهان گسترش همکاری های مشترک با این دستگاه هستیم.

مرادی تصریح کرد:بر اساس این تفاهم نامه، شناسایی و تأمین نیازهای مهارتی کارکنان واحدهای شرکت توزیع برق و با همکاری پیمانکاران طرف قرارداد توسط اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان کرمانشاه از طریق طراحی، برنامه ریزی و اجرای دوره های آموزشی برابر ضوابط سازمان آموزش فنی و حرفه ای و همچنین ضوابط آموزشی شرکت توانیر انجام خواهد شد.

محمد مرادی مدیرعامل و رئیس هیات مدیره شرکت توزیع نیروی برق گفت: شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه در سه ماه اول سال ۱۴۰۲ با توجه به ارزیابی شرکت توانیر در اطلس سبز ایمنی قرار گرفته است و این امر ناشی از آموزشهای مستمر همکاران سیمبان بوده و نظریه اینکه شرکت توزیع یک سازمان خدماتی است نیاز مبرم به همکاری با مراکز آموزشی خصوصاً سازمان فنی و حرفه ای استان را دارد.

وی در ادامه اولویت اصلی شرکت توزیع برق را توانمندسازی نیروی انسانی بیان کرد و افزود: آموزش فنی

به گزارش روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه در راستای ارتقاء سطح مهارت ،توسعه و ترویج فرهنگ مهارت آموزی، فرهنگ کار، تقویت شایستگی ها و مهارت های فردی و بالا بردن کیفیت انجام کار با رویکرد گسترش همکاری های متقابل بین دستگاه ها و بهره مندی از ظرفیت ها و توانمندی های مشترک با اداره کل آموزش های فنی و حرفه ای استان کرمانشاه تفاهم نامه همکاری منعقد نمود.



هۆرمان وه زوان دالگییهو بوو

درخشش دو دانش آموز کرمانشانی در کنکور امسال

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه از کسب ۲ رتبه سوم ریاضی فیزیک و چهارم رشته علوم تجربی در کنکور امسال توسط دانش آموزان کرمانشاهی خبر داد و این موفقیت بزرگ را به جامعه دانش آموزی و آموزش و پرورش استان کرمانشاه تبریک گفت.

سلمان محمدی به اعلام رتبه های برتر کنکور از سوی سازمان سنجش در صبح امروز اشاره کرد و گفت: « علی

منصوریان» دانش آموز رشته ریاضی فیزیک از مدرسه استعدادهای درخشان (سمپاد) ناحیه یک شهر کرمانشاه امسال موفق به کسب رتبه سوم این رشته شد. وی همچنین افزود: «نیلگون سپاس» دانش آموز دختر استعدادهای درخشان مدرسه فرزندگان شهر اسلام آبادغرب هم موفق به کسب رتبه چهارم رشته علوم تجربی شده است.

محمدی در پایان با اشاره به رتبه اولی محمد بهرامی در رشته علوم انسانی سال گذشته استان کرمانشاه، این موفقیت هارا حاصل تلاش و پشتکار این دانش آموزان، همراهی خوب والدین آنان و برنامه ریزی های خوب آموزش و پرورش استان کرمانشاه در راستای موفقیت دانش آموزان استان در کنکور عنوان کرد.

استان کرمانشاه ۲ میلیون نفر جمعیت دارای ۳۷۰ هزار



گزارشی از کوچ ابدی شاعر کورد دهلرانی زنده یاد کیومرث مرادی

کوردی نۆرمه. دهنگ هوورەئ باوکمه. ده‌مه‌ته‌قه‌ئ باپیرمه

سرویس فرهنگی

در روزگاری که زبان مادری برای بسیاری از هموطنان در تنگناهای عجیبی گرفتار شده، خادمان آن، شریف‌تسیرین و فداکارترین انسان‌ها هستند. آنها یا با پژوهش و کار علمی و یا با زبان عشق و ترانه و شعر در این عرصه، هنرنمایی می‌کنند. امروز روز سوگ یکی از این خادمان شایسته‌ی زبان و فرهنگ کوردی است.

کیومرث مرادی شاعر نام‌آشنای دیار دهلران که «کوردی سروده»، هایش برای بسیاری طعم ناب عشق دارد، امروز در حالی به ابدیت کوچید که نامی معتبر برای ماندگاری به جا گذاشت. برآستی وقتی هنرمند هنرش را در زبان مادری (کوردی) ثبت می‌کند، بسپارند آنان که با عشق به چنین گنجینه‌ای هواخواه او و آثارش می‌شوند. نمونه اش را در کرمانشان دیده ایم. استاد پرئو کرمانشانی بازترین شاعری است که اهم اعتبار هنری اش به شعرهای معدود کوردی برمی‌گردد. اشعاری که به او عزتی مضاعف داد تا دیگر شاعران درس بگیرند که اگر می‌خواهند نامی جاودان داشته باشند، باید به زبان مادری بر گردند.

این جریان هواخواهی و دوستداری در فرهنگ کوردی همواره به شیرین‌ترین شکلش خودنمایی کرده است. حتی شاعران متوسط هم از چنین مهری از جانب مردمان کورد برخوردار بوده اند حالا شاعران ارزنده‌ای مثل زنده یاد کیومرث مرادی جای خود را دارد.

با شنیدن خبر مرگش بسیاری از اهالی فرهنگ نگران شدند و شاعران و هم‌مسکانشان اندوهبار گشتند. بویژه شاعران هم‌استانی‌اش که برخی‌ها با سوگ‌نوشت‌هایشان در این روزها نامش را به بهترین شکل گرمی داشتند. دکتر حبیب الله بخش‌بوده به ایش این گونه نوشت: «شادروان کیومرث مرادی مهر از شاعران پیشکسوت خطه‌ی دهلران و از سراینده‌گان تالاشگر شعر ایلام، آثاری ارزنده و درخور دارد. او در آیینی‌اش اشعارش منعکس کننده دردها و شادی‌های خود و مردم خونگرم گرمسیری است. در دریای متلاطم اشعار او امواج احساسات‌رها و پر جنبش اند: زیان‌ش ساده و بی‌آلایش و واژگانش، به زلالی چشمه اند. در پشت سروده‌هایش شخصیت موقر و متینش را می‌توان حس کرد.

او شاعری است که قدر زبان مادریش را خوب می‌داندودر بهترین‌زمان کلمات نیمه‌جان را به کودکان و نونهالان می‌آموزد تا زبان مادریش زنده بماند. بی‌گمان کیومرث مرادی یکی از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی گویش پهلای (گویش اصیل ایل بزرگ کرد) با سایر گویش‌های کردی در استان ایلام و سایر استان‌های کرد نشین بوده است و از بستر کلمات زلال او و سایر شاعران کردی جنوبی است که کردی شمال و جنوب استان پیوند می‌یابند و او یکی از موثرترین سراینده‌گان در این مورد خاص به شمار می‌آید. در کالبد شعر کیومرث جانی زلال دمیده شده است. کنایات، اصطلاحات و دامنه‌واژگانش حکایت از توانمندی او در به‌کارگیری ابزار متعالی شعر است.

متأسفانه تا کنون اشعار کردی این شاعر گرانسنگ در مجموعه‌ای بایسته جمع‌آوری نشده اند و آنچه تا کنون به دست دوستداران شعرش رسیده حاصل کلیپ‌های متعددی است که خود او یا دیگران در فضایی مجازی منتشر کرده اند کاش در حیات رنج‌آور او، متولیان فرهنگ و هنر استان می‌توانستند دفتری از اشعارش را با صدای گرم و لهجه‌ی شیرینش در قالب کتاب سسی‌دی چاپ می‌کردند تا کام دوستداران شعر به‌رطوب شعر جنوب استان شیرین بر می‌شد. کیومرث دوستی مهربان، با احساس و صمیمی بود، نبودش دریغی است که با اشاره‌ی شب عمیق تر می‌شود.»

استاد ظاهر سارایی به گزارشی آزاد از روز خاکسپاری‌اش پرداخت و همراهی اهل هنر را در سوگش ستود. او نوشته‌اش را با این تیتربه فضای رسانه فرستاد: «بدرقه دوست به سمت

ابدیت» و نوشت:

ظهر دیروز، چهارشنبه، ۲۵ مرداد ۱۴۰۲، با دوستانم، علی محمد محمدی، علی‌رضا خانی و داریوش همتی، که از ایوان آمده بودند، از ایلام به سمت دهلران حرکت کردیم تا در مراسم خاکسپاری دوست نازنین از دست رفته‌مان، کیومرث مرادی شرکت کنیم. جاده خلوت بود و مسیر را زودتر از موعد طی کرده بودیم.

سالم پورا احمد، منتظرمان بود و تا شروع مراسم، مهمان گرمی محبت حزن‌آلود و خنکای فضای خانه‌اش بودیم. نیم‌ساعت مانده به شش، به سمت آرامستان امامزاده اکبر حرکت کردیم. تمام جاده در قرق ماشین‌هایی بود که به سمت آرامستان حرکت می‌کردند. هزاران ماشین در ورودی آرامستان پلک شده بود و برای رسیدن به آنجا، می‌بایست مسیر نسبتاً زیادی را طی می‌کردی. جمعیت موج می‌زد.

می‌دانستم که کیومرث محبوب دل‌هاست و خیلی‌ها او را دوست دارند اما انتظار حضور این حجم از مشتاقان و علاقه‌مندان غافلگیرکننده بود. همه آمده بودند تا شاعر توانا و مهربان و مظلوم و بی‌آزار و آزمگین شهرشان را به سبوی ابدیت بدرقه کنند. از ایلام، مسئولان فرهنگی ارشاد و حوزه‌ی هنری آمده بودند و تنی چند از شاعران ایلام، از جمله فرهاد شهمهرادیان، نعمت‌الله دادیان، حیدرعلی شفیعی و... حضور داشتند و جای خالی بعضی‌ها هم احساس می‌شد. علاوه بر شاعران دهلران که صاحب‌عز بودند، شاعران آبدانان و مهران هم حضوری پررنگ داشتند. هیچ مرز زبانی و طایفه‌ای و بعد مکانی، نتوانسته بود مانع حضور پررنگ مردم شود. از پیش‌صندلی‌ها چیده شده بود و تربیون و متعلقاتش هم آماده بود. همه چیز در کمال نظم و انضباط و آرامش پیش می‌رفت. همه سنگ تمام گذاشته بودند. گرمای سهمناک روز، داشت جایش را به اندک خنکای غروب دهلران می‌سپرد.

دوست دیرین کیومرث، عبدالحسین رحمتی پشت تربیون رفت و متنی پرشور و غمناک در وصفش خواند. غزل، تنها فرزند کیومرث، با آنکه غرق در اندوه و غزا بود، پشت تربیون رفت و غم‌نوشته‌ای که حاصل تراواشات ذهنی و زبانی خودش بود و پر بود از شاعرانگی و خلاقیت، در مرگ پدر و دوستش، کیومرث مرادی، به شیرینی و شیوایی بیان کرد. همه

و طرفداران و سینه‌چاکان بسیاری دارند و به قول معروف، چون کاغذ زر دست‌به‌دست می‌شوند. به مدد فضای مجازی بخشی از شعرهایش در قالب رسانه‌های تصویری و شنیداری در دسترس قرار دارند اما بی‌شک بسیاری از اشعار دیگرش همچنان پرده‌نشین و مستوراند. در ایام حیاتش، او را بسیار تشویق می‌کردم که اشعارش را جمع کند اما هربار به بهانه‌ای از زیر کار می‌گریخت. او هیچ دلیستگی خاصی به دنیا و متعلقاتش نداشت حتی به شعرهایش. و مصداق این بیت خواجه بود که:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود/ ز هر چه رنگ تعلق پذیر دآزاد است

شعر کیومرث را کسب‌نمی‌تواند مصادره‌به‌مطلوب کند، او از آن همگان است و شعرهایش مالا مال از عشق و صمیمت و سادگی و تعهد انسانی و محبت معنوی است. او شاعری اجتماعی هم بود و نسبت به اجتماع زبانی خودش بود و پر بود از شاعرانگی و خلاقیت، در مرگ پدر و دوستش، کیومرث مرادی، به شیرینی و شیوایی بیان کرد. همه

مراسم خاکسپاری‌اش شروع شد. از پیش‌صندلی‌ها چیده شده بود و تربیون و متعلقاتش هم آماده بود. همه چیز در کمال نظم و انضباط و آرامش پیش می‌رفت. همه سنگ تمام گذاشته بودند. گرمای سهمناک روز، داشت جایش را به اندک خنکای غروب دهلران می‌سپرد...



خشت‌های شعر او به قول آن سوخته‌دل، بوی عشق می‌دهد و مصداق این بیت است که:

هر که‌س بووی عشق مه‌بوژه یانه‌نش/ گیانم وه فه‌دای خشت خاشانه‌ش

من و کیومرث، محبت و انسی‌خاص به هم داشتیم نه فقط در این اواخر که بیشتر شده بود، از آغاز هم چنین بود. آنچنان به کیومرث و دوستان شاعرم در دهلران علاقه‌مند بودم و دل در کمند مهرشان داشتم که در ایام دانشجویی، به دانشجوی ارشد دانشگاه چمران اهواز بودم. سالی چند بار در مسیر رفت و برگشت، در دهلران پیاده می‌شدم و شبی را مهمان دوستان شاعرم می‌شدم. این اواخر، سعی می‌کردم که بیشتر به اوزنگ بزیم، گاهی اوقات مدیدی صرف گفت‌وگو می‌شد و سعی می‌کردم با بیان خاطرات خوش و طنز و ظرافت، اندکی از زنجش بکاهم.

مراسم، با یکی دو برنامه‌ی سخنرانی کوتاه دیگر به پایان رسید. بعد از اتمام مراسم، بر مزارش حاضر شدیم. نورمحمد ناصری، دوست دیرین کیومرث بیشتر از همه اندوه برروخش آوار شده بود و نای برآستن نداشت. غزل، بهترین زنده چشم به خاک‌هایی دوخته بود که

پیکر پدرش را در آغوش گرفته بودند؛ و مشتاقان بسیاری پروانه‌وار گرد شمع مزار کیومرث می‌گشتند. شب همه جا را در بر گرفته بود و می‌بایست به ایلام برمی‌گشتیم. دوستان بسیاری خواستند که شب بمانیم اما دل و دماغ ماندن نداشتیم. دوستان را واع گفتم و به جاده‌زدیم. چراغ ماشینمان غلظت شب را می‌شکافت و نیمه‌های شب بود که تن خسته و روح رنجورمان را به خانه کشانیدیم.

عمران خودآموز مدیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام از دریچه‌ای دیگر به این حادثه‌ی تلخ پرداخت و نوشت: «برای غزل مرادی، و جاح و جمال «کیومرث»

«غزل مرادی، تنها فرزند روانشاد کیومرث مرادی، در مراسم تشییع پیکر پدرش در دهلران این‌گونه سرود: تنها خداسست که می‌ماند/ روزگار! مخند، که خنده‌ات سپر صبرمان نمی‌شود/ دیروز دردی از زردش را در تک‌تک استخوان‌هایم حس کردم/ و...

اگر پرده‌ی نازک احساس را از روی شعر "غزل مرادی" کنار بزنیم و لب کلام او را فهم کنیم، در خواهیم یافت که در تک‌تک واژه‌هایش امید، اراده، آگاهی، عشق، زندگی و اعتماد به نفس موج می‌زند.

"غزل‌بانوی مرادی" نماد و نماینده‌ی نسلی است که زندگی‌خواه است، بیش و پیش از آنکه مرگ‌طلب باشد. و چه زیباست که زندگی را و عشق و امید و آگاهی را در واژه، در شعر و در غزل جست‌وجو می‌کند. طعنه‌ی "غزل مرادی" به نیشخند روزگار، رومانی‌ای از صبر و صلابت نسلی است که با مرگ پدر، نه‌تنها خود را نمی‌یازد، بلکه دردی از زردش را در تک‌تک استخوان‌هایش حس می‌کند.

فرزند کیومرث، ایستاده بر بلندای شعر و شعور و آگاهی، بانگ برمی‌آورد که آی جماعت! "دریایی از پرم در من است" و بی‌گمان، راز و آرامش و استواری او، همین باورمندی و ایمان او به اعجاز کلام است. چرا که قرآن کلمات در مغزش و هجوم پیاپی واژگان در بدنش، شهادتی زنده بر زنده بودن کیومرث مرادی است.

"غزل" که "قصیده بلند" باباست، تشییع و تولد دوباره‌ی پدر را هم می‌آمیزد تا ثبوت‌اش را با شعر و ترانه و غزل عاشقانه آذین می‌بندد. در زمانه‌ای که هنوز باور به خاموشی و کوری اجاق خانواده‌های بی‌پسر در خاطر نسل ما و پیش از ما سوسو می‌زند، "غزل" و جاح و جمال پدر می‌شود. چرا که به قول کیومرث: له‌هر حه‌وشی به‌ی دودت پاوه به‌خته/ اهر به‌کی ژو و جاح و جامالیکه (در هر خانه یک دختر بالغ است/ هر یک از آنان چراغ خانه و میراث‌دار خاندانی است)

دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی است و هم اکنون سه هزار و ۴۶۴ مدرسه و ۱۳ هزار و ۷۵۱ کلاس درس دارد. ((ایرنا))امسال در مجموع ۶۷ هزار و ۸۸۶ نفر داوطلب در نوبت در آزمون سراسری در استان کرمانشاه باهم به رقابت پرداختند.

دانش آموزان استان در کنکور عنوان کرد.

استان کرمانشاه ۲ میلیون نفر جمعیت دارای ۳۷۰ هزار



و اینکه عبدالحسین رحمتی هم شاعرانه نوشت و از سروده‌هایش گفت که: «به قول استاد شفیعی کدکنی: تودر نماز عشق چه خواندی! چشم چرخندی زمین دور سرم می‌چرخید. چشم‌مه‌هایت، ناگفته‌های بسپار داشت: عاشقان کشتگان معشوقند/ هر که زنده است در خطر باشد. اگر سهراب گفته است که شاعران وارث آب و خرد و روشنی‌اند؛ نمونه‌ی بارز این کلام ومهر تابید این نظریه، کیومرث مرادی است که از جنس این مردم بود و مثل آینه زلال و در نهایت آگاهی و پختگی در این گوشه از خاک، که گاهی فکر می‌کنی انتهای زمین است و نزدیک است جذبه‌ای در کلامش بود که آبی‌های دنیا را به این سمت می‌آورد.

"قرار بود که باهم به آسمان برسیم / به ابروماه، به خورشید و کیهانش برسیم به شهر حافظ و خواجه، به آب‌رکن آباد / به آستان خداوند شاعران برسیم

کیومرث تمام ادبیات کلاسیک مارا خوانده بود. از رودکی، شاهنامه، تاریخ بیهقی، گلستان و بوستان سعدی و... تمام رمان‌های ایرانی و ترجمه‌های خارجی؛ هیچ کلاس زبانی نرفته بود اما با عشق و شور، به راحتی به انگلیسی تکلم می‌کرد. سنگ بنای شاعری‌اش بر چهارچوب‌های درست و عالمانه‌ای نهاده شده بود و به جرات می‌توان گفت که زوایای پیدا و پنهان و زیبایی‌شناختی او از شاعران ایران زمین و خصوصاً حضرت سعدی کیم نظیر بود. و در یک کلام کیومرث؛ شاعری تثبیت شده و تاثیرگذار در شعر و خصوصاً شعر کردی استان برای همه‌ی لایه‌های جامعه بود و اگر فراست زبان مادری را زنده نگهداریم تافته‌ی هویت این مردم زنده بماند، او در این وادی اعجاز کرده است و گواه این مدعا شعرهای او است که ورد زبان همه است. اونوستالژی شیرینی بود برای همه، خصوصاً بچه‌های دهه‌ی شصت که در جنگ و آوارگی بزرگ شدند و درد و رنج‌های آن دوران را که خاطره شده اند را شیرین می‌کرد.

"دانش آموزان شهر که‌های رنجیم ابتدایی‌های سال شصت و پنجم تاب ما، در چرخش آندوه هابود بر رختان بلوط کوه‌ها بود"

در پایان دوباره می‌نویسم: چنین نامی است که اعتبارش را از مردم فرهنگ دوستش می‌گیرد. او که کوردی سروده‌هایش را مردم به شدت دوست دارند. او که با تمام وجود فریاد می‌زد: «کوردی نۆرمه / ده‌نگ هوورەئ باوکمه / ده‌مه‌ته‌قه‌ئ باپیرمه» نامش جاودان و راهش پر رهرو یابد.

خان داشتیم تا خان!

● یادداشتی از استاد منصور یاقوتی



با افسوس باید گفت که به دلیل کردارهای ناپسند چند خان در گوشه و کنر کشور یا در غرب ایران و یا در لرستان و پشت کوه ...، خوانینی که بودند و خدمات ارزنده‌ای در زمینه ساخت مدرسه، ساخت پل و یا فرهنگ و موسیقی انجام داده، چهره‌شان در پس ابرهای آوازه‌گری آن چند تن دیده نشود. در سال ۵۳ من که معلمی ساده بودم، دست تقدیر یاسرنوشت من را در منطقه کلیایی از توابع شهرستان سنقر به سوی آبادی «میدان» روانه کرد. بگذریم که معلم پیش از من خانمی مدرن بوده بی توجه به فرهنگ و آداب و رسوم مردم و اعتراض روستاییان را چنان برانگیخته بود که به اداره رفته و گفته بودند ما معلم نمی‌خواهیم و پاسخش شنیده بودند که شما لایق معلم نیستید!

من را که بی‌خبر از این قضایا بودم به روستای میدان فرستاده که تا چند روز هیچ کس نیاید و بپرسد: بنده‌ی خدا که هستی؟ تشنه نشدی؟ گر سنه نیستی؟ چرا بر نمی‌گردد؟ اما من بیدی نبودم که از این بادها بلرزم و چون مرغ توفان دل به توفان‌ها سپرده! بگذریم آنجا ملک زنده یاد علی اوسط خان امجدی بود، عدالت‌خواهی راستین که تمام زمینهایش را بین روستاییان تقسیم کرده بود و در تهران مستاجر و دلخوش به رفاقت با چند تن اهل اندیشه و پیکر گر عدالتخواه.

باری! خان برادری داشت به نام اسد امجدی اهل فرهنگ و شاعر و موسیقی‌شناس در سطح آکادمیک. من با هر دو تن آشنا شدم. چون با سماجت در آن روستا ماندم و زیر نظر پلیس سیاسی که بحث آن اینجانیست! از اسدالله خان امجدی به همت انتشارات بیگوند در سال ۷۰ کتابی در ۳۰۰ نسخه منتشر شده به قطع ۲۱ در ۲۸ سانت با کاغذ سپید و طرح روی جلد: تاقبستان و در زیر دو نوازنده با لباس کردی: یکی دوزله می‌نوازد (ساز منطقه کلیایی) که از دو تانی ساده درست می‌شود و استاد آن زنده یاد (آمان دای) بود.

اهمیت کتاب اسدالله امجدی در این است که با دقت علمی برخی از نغمات محلی مردمان روستانشین را تبدیل به نت کرده که از گزند تندباد حوادث در امان مانده و در همه جای دنیا برای کسانی که نت و الفبای موسیقی علمی را می‌شناسند قابل استفاده باشد.

گذشته از این موضوع ترانه‌هایی را در الفبای نت آورده که بخشی از تاریخ زندگی مردم کرد است. مانند «سحری» که با مداد جشش عروسی نوازنده‌ها ایستاده بر پشت بام نوای اساطیری را زیر آسمان با سرنو و دهل طنین می‌افکند: «سحر سحر، سحر خروسه - زره پاوینک تازه عروسه» یاد و نام اسدالله امجدی و برادرش علی اوسط خان امجدی جاودان باد

امرداد ۱۴۰۲ کرمانشاه.



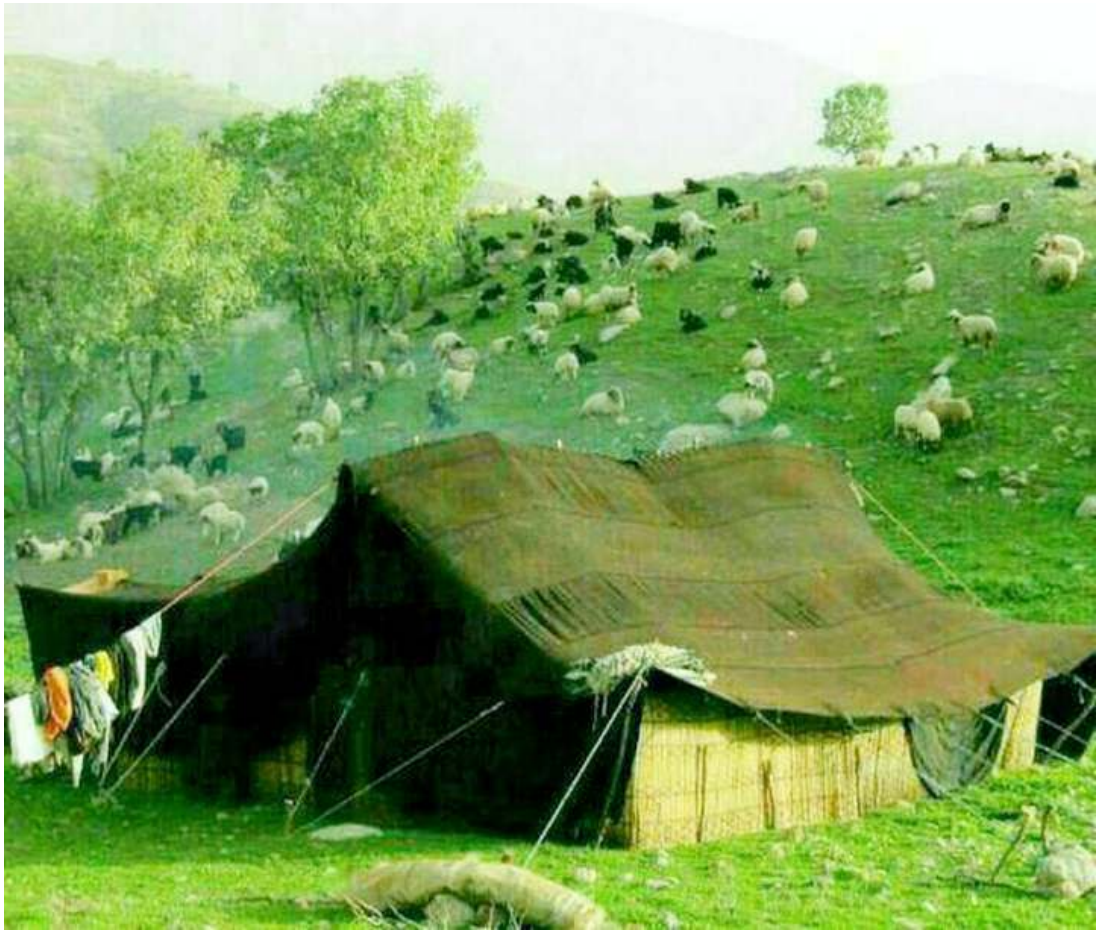
خوانش فرهنگ و خوانش تاریخ از هم جدا نیست

نگاهی به فرهنگ عامه‌ی کوردی

• علی رسولی

فرهنگی بنا شده نه براساس تناقضات طبقاتی و نژادی. اصول مدرن در قالب فلسفه‌ی سیاسی استواربرالز مات و قواعدقرارداد اجتماعی است. انسان مدرن براساس قرارداداجتماعی حق شهروندی دارد.

از آنجا که اساس این حقوق سلبی و غیر ایجابی است. این بحث سرانجام درستی ندارد. امروزه ما با مردمانی روبرو هستیم که فاقد گرایشات زیست جمعی هستند. منشاء معرفت هندوچینی ریاضت است اما منشاء عرفان و فلسفه‌ی ایرانی بنا به گفته‌ی ی سهروردی عشق و دلبستگی است.



کشور مسرآمد قصه‌های عاشقانه است. فرهنگ کردی از این سهم بی‌نسب نیست در این فرهنگ جمال و زیبایی علت کمال وزندگی است. زندگی در این فرهنگ روند کمال ورشد است.

«درازل پر توحسنت تجلی دمزد»

«من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد

رلیخارا».

درفرهنک ماحزن واشک بیک میزان مایه زندگی هستند. در اساطیرما جاری شدن اشک دانه ونهال زدپدی را آبیاری می‌کند. ژان باشکوه ترین مقدمه‌ی زایمان است. عشق اکسیری است که هر نقیضی را از میان برمی‌دارد. مانند ظلمت و سیاهی که در ژیان وزیست طبیعی رنج افزا است. وشب نماد ظلمت است اما:

«بیلا هر شبورنگ شو خاصه

رنگ شو چپوز لف لیلی سیاسه».

فرهنگ ما عاشقانه، شاعرانه و هنرمندانه است. کمالات انسانی در این فرهنگ بین زن و مرد متفاوت است. وزنی که کمال وزبیایی ومنش انسانی ندارد ژان است.

حسن دیگرزن ژیان است «ژیا نه گم آزای سقانه گم». یادرساختن بنای خانواده‌ون بناس وپیا عمله. یاژن‌زه‌نی مرد است‌زه‌نی یعنی رشدوکمال. در قصه‌ی الهه‌ی زایش ورشد بین النهرینی مادرعاشق پیشه الهه زایش رامیکششد و بدنش راتکه پاره در خاک دفن می‌کند.

بر تکه‌ها اشک می‌ریزد و آنان را آبیاری میکندومی‌روبانند. اینکه پدردرفرهنک ما پشت وپیشینه است. بر میگردد به این کهن الگو. امانه به مفهوم پشت پدر است ومادرر هگذر. این کلام فارسی است. پشت

بودن یعنی دانه وریشه... بودن. مادر پدرافشان ویاغبان است بنه کو یعنی ترکیب زن و مسرد یا خانواده. خانواده که توسعه پیدا می‌کند عشیره بوجود می‌آید وواحد اجتماعی که توسعه پیدا میکند طایفه بوجود می‌آید وایل اجتماع بزرگی است که منشأش خانواده است. در فرهنگ ایلی چون پشت وبنه کو جامعه یکی است. و پیوندهای خانوادگی خوشی... است. «عقد پسرعمودختر عمودر آسمانها منعقد شده». ریشه وبنه کوی جامعه یکی است.

ادامه دارد

جنسی وغریزی دارند.

اما سازمان اجتماعی را این دو بنام‌زناشویی پایه گذاری می‌کنند. زن‌اشویی یک قاعده‌ی معنوی است. خانواده نیز قاعده‌ی دیگری است. ساخت جامعه استوار بر قواعد معنوی وفرهنگی است.

هگل می‌گوید خانواده واحد بنیادین جامعه است. فرهنگ ریختار تغییرات معنوی همذات با انسان و همراه با طبیعت است. این ریخت نشان می‌دهد که ما چه مسیر متغییری پیموده ایم. زن و مرد با صفتهای مشترک و مختلف و مکمل زیادی دارند که و بنیان زیست مسالمت جمعی را

ممیزات را ندارد.

با بروز خلاقیتها و استعدادهای منحصر-انسانی، مسیرمشترک طبیعی انسان با هستنی مادی متفاوت میشود. باداشتن چنین ماهیتی انسان مدام و مستمر در زندگیش انقلاب و اصلاح ایجاد می‌کند. اولین انقلاب اوساخت جامعه و سازمانی است که میتواند از طریق آن زندگی مبتنی بر تمایلات را تامین می‌کند. عناصر خلاق خارق العاده‌ی فوق بن مایه‌ها، ایده‌ها و الگوهای فرهنگی‌ای هستند که آغاز و غایت زندگی‌ا ورا نهادینه و پایه گذاری می‌کنند. زندگی ایلی ایرانی

در فرهنگ کردی ما

واژگان زمگسه و میلکان داریم. زمگه محل زندگی زمستانی است.

میلکان یا میل به

افزافه کان یا مکان شامل سایر محل‌های زیست است. مانند وانه یا بهار جا، ایلاخ یا تابستانه جا و زمه گه یا زمستانه جا. همه‌ی این مکانها میلکان یا محل میل به زندگی هستند. میل و کان و یا علاقه و مکان هر دو با هم رابطه‌ای دو سویه دارند. کسی که می‌میرد حلقه‌ی میل به زنیش پاره می‌شود. به حلقه‌ی مرگ یا خاک می‌پیوندد. حیات و هستنی حلقه‌ای است. حلقه‌ی زندگی انسان جامعه است. انقلاب بزرگ ایلی یک معنوی و مادی جامعه‌ی اولیه‌ی بشری‌را پی‌ریزی می‌کند. آب در فرهنگ کردی مایه‌ی زندگی است.

زیرا حلقه‌ی حیات است. زنیان آو یعنی آبی که زندگی را نامیرا می‌کند. ناو زنیانا ویش بکه‌پیده حلقه‌ی مرگ! آب جاودانگی هم بریزی تو گلویش می‌میرد. «آب حیوان تیرگون شد خضر-فرخ پی کجاست». حافظ خضر-زنه در قصه‌های کردی حضوری مستمر دارد و نماد انسان اجتماعی است.

سبزقبایی نورانی که سر بز نگاه‌ها و هنگام گرفت و گیرها و بدبیاربهای انسانها کنار چشمه‌ای گوارا حی و حاضر مشکل گشاورهما است. نشانه گذاری قصه‌ی بوف کور هدایت همانند نشانه گذاری قصه‌ی خضر-زنه است. دختر اسیری کوزه به دوش کنار جوی روان در جوار پیر مرد جوگی و سروی سبز قبا. این همان خاطره خوانی ازلی است که هدایت از آن یاد می‌کند.

قصه‌ی گیلگش بر اساس مرگ و نامیرایی روایت شده. با این تفاوت که نشان حیات جاودانه در آن قصه گیاه جاودانی است. حال در قصه‌ها و افسانه‌های کردی این گیاه سر از قبر جوانمرگ ناکام برمی‌آورد. نماد سرسبزی و پژمردگی در قصه‌ی سه دوستی آمده که در سفری اجباری سر یک سه‌راهی از هم جدا میشوند. هر یک بنام خود نهالی در این سه‌راه می‌کارد.

دوستان هر کدام هر از گاهی به این سه راهی سری می‌زنند نهال هر کس که پژمرده باشد نشان از آن دارد که فرد صاحب نهال گرفتار یا بیمار شده. در این قصه‌ها میل طبیعت یا میل و خواست انسان یکی است. انسان طبیعی برای بقای خود قاعده‌ی زیست طبیعی را رعایت می‌کند.

در قصه‌ی سیامک و قصه‌ی ملک جمشید کردی دیو که وجودی وهمی، دروغین و خیالی است با میل پلشتش قاعده‌ی زندگی طبیعی و زیستگاه طبیعت را گیورانده و وارونه نموده و تباهی ببار می‌آورد. دیو قصه‌ی ملک جمشید جلو سگ کاه و جو، جلو اسب استخوان و... میریزد. دیو در فرهنگ ما نماد وارونه‌گی است.

خضر. برای‌رهایی ملک جمشید از دام دیو، به او می‌گوید بلای دیورا اصلاح کرده وهر چیز را به روال عادی بر گرداند. از این طریق نیروی لایزال طبیعت با او همراه میشوند. اصول جامعه شناختی فرهنگ ایلی مبتنی بر طبیعت گرایی و جهان بینی است. انسان ایلی از طریق جام جهان بین جم حلقه‌ی زیست اجتماعی را می‌سازد.

«گفتش این جام جهان بینی به تو کی داد حکیم

گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد».

روزی که این جهان ساخته شد بقول هایدگر تفکر سازندگی نیز به انسان عطا شد. فلسفه‌ی حق یعنی این. ژیان پیشا ایل غریزی و طبیعی است. انسان مانند حیوان غریزه دارد. کل‌کرد غریزی مبتنی بر امر طبیعی است. این انسان طبیعی که زیست آلونک و غارنشینی جمعی حیوانی رفتار او جبری و حیوانی است. غرایز حیوانیش تمایلات زیستیش را هدایت می‌کند. بر خلاف تصورات و نظریات مدرن غربی انسان زندگی غارنشینی مادر سالارانه نیست. در زندگی دسته جمعی حیوانی رهبری غریزی گروه با جنس نر است.

در قاعده‌ی این زیست نواز صرفا نیاز به خورد و خوراک دارد که منشاء تامین آن امیال مادر است. تاثیر مخرب عوامل طبیعی باعث می‌شود که نیروهای بالقوه‌ی تدبیر، اندیشه، اختیار، انتخاب، تفکر، اراده و... انسان بالقوه شود و تغییری بنیادی در حیات انسانی ایجاد کند. حیوان این



شوکرانه م پید بوو بینای بان سه ر

کووره گلا لآن لافاو گرته وه

شوکرانه م پید بوو که س سِر نه زانا

سفید په ر له رۆ سه رزه مین شانا

شوکرانه م پید بوو هه ره خت مه یلت هه س

وه بی نم سه ونز که ئ گولآن که ل مه س

شوکرانه م پید بوو سایه قه ئ نه سیم

سه ر تیه تان کرد یه وه تلا ووه سیم

شوکرانه م پید بوو ئاو شه و ماسن

ئاقای عزرائیل به نی ئایه م تاسن

شوکرانه م پید بوو ئه ئ بار لاهی

زه مین یه خ به ساس تا گاه ماهی

ماهی ها وه بان گور ده ئ نه هه نگئ

نه هه نگ ها وه بان به ره ره سه نگئ

ئه وه سه نگه ا بان تیخ فه ره نگئ

په یوه سه له بان زوان له نگئ

وه شه و مه سازوو میل سوو هان ساو

وه رووژ مه تکئ قه تره قه تره ئ ئاو

دیوان شا که و خان منصور

۲

عه زیزان ماه رۆ خسار ئ ژه قه وس ئه بروان تیر ئ

وه جهر گم ئاشنا که ره دن نه دارم هیچ ته قسیر ئ

وه ناخۆن سینه شوم کردم وه شانم به زر مهر تو

وه داس ئه بروان دروید جگه ره کردم و قه لبیر ئ

یه ک عۆمه ره پاسه بانی که م ژه ده ور خرمن حوسند

وه سه ده من گه ندۆم گووناد جوی ناده‌ی ووه ره زبر ئ

ژه عه قل و عشق حه یرانم نه زانم قه ول کامین که م

نه عشقم پیم ئه دا مۆهله ت نه عه قلَم کات ته دبیر ئ

رۆخ زیبای شیرین بی وه خوون کووه که ن باعس

وه ها سیباد ته ره ده س بی سه ید بهر چی و نه خجیر ئ

سید یعقوب مایشتی

۳

برشن دواره برشن، ساقی دلَم که واوه

شیتم که تا نه زانم، زانستم عه ز اوه

برشن دل تو خوه ش بوو ساقی ئه گه ره م دیمه

که س گیان وه در نیه وه یدن له ئ سال ناسه واوه

کلّیامه و بر شیا مه ئی ده ره که س نیه زانید

ئه شکم له تاو دۆریت، هه م ناگه هه م ئاوه

زانی ئه گه ره توامه دکارئ که دلّیا بوم

وه ختی وه لاده مّیگه و ئۆشی نه چو، جواوه

گوناهه ژیر زولفد بیلا بکه ئ خوه ناوا

بوومه خړ چه وه یلت جار ئ چ وه خت خاوه

ده رد م که سی نیه زانی، داخم له بی که سی خوه م

ته نیام چۆ بکیشم ئی هه مگه ناحساوه

ئۆشم دلَم هه لا که تاده س بنه یده تالآن

ئۆشد حه ئا که «په ره ته و» ده س له ئ قسه یله لاوه

په ره ته و کر ماشانی

۴

بولبول گوتزار عشقم بال په روازم نییه

تاوه سووز دل بنالم که س هه م ئاوازم نییه

ره نجه له خار فراقم راهه تی به خشم کووه

ئارزوو دار و سالم یار ته ننازم نییه

ده ره دارم! رۆوه کی که م تا ک ده رد م چاره که ئ؟

راز دل ئفشاهه کی که م چۆن ک هه مراز م نییه

تا ک بردی دل وه ده ستم عه قل و هووشم چی وه سه ر

له و چاو خۆماره مه ستم میل به گماز م نییه

یا له وه سلّی زنده گی که م یا له هجرانی مرم

عه ئیریه چشتی تره ک ئه نجام و ناغاز م نییه

حافز کوردی زووانم نه زم من بوژ هانمه

شار کر ماشان عه زیزان کم له شیراز م نییه

شعر کوردی هه ره سه ئه ر خاسه ته مکین یا خراو!

دی له یه بهتر چه بۆشم سحر و ئعجاز م نییه

تمکین کر ماشانی





نورستن وه چۆنیه‌تی په‌یوه‌ندی پیناسه و ئەدهبیات له ناوچه‌ی کرماشان و ئیلام

ئەدهبیات و پیناسه

● مازیار نه‌زه‌ربه‌یگی/به‌ش د‌و‌ایین



گوش‌ی‌یان وه‌ ده‌ریا نیه‌خوهر! / داره‌ گان، مه‌ ل‌ۆ‌چ‌گه‌یل له‌ قهره‌ نیه‌یلن! / ده‌ی‌شته‌یل، ده‌ل‌ه‌ ق‌ر‌چ‌ی ئ‌ړ‌ا وه‌هار نیه‌ که‌ن! / وه‌ جاده‌یل، / ه‌ۆ‌چ ئ‌ړ‌واژ شه‌ که‌ت‌ی‌گ / وه‌ په‌ر ت‌خ نیه‌وه‌ن! / وه‌ داخه‌و ... / وه‌ داخه‌و ... / ئ‌یره‌ کو‌وره‌ئ / د‌نیاس‌ گ / ک‌ۆ‌یه‌ وه‌ ک‌ۆ‌یه‌ ره‌سی‌گ / من و‌ ث‌ به‌لام / ه‌ۆ‌چ وه‌خت وه‌ ی‌ک نیه‌ره‌سیم‌؟! / وه‌ ړ‌اس / ئ‌یره‌ ناخ‌ر د‌نیاس‌! ... (مه‌سه‌عوود قه‌ن‌به‌ری)

سه‌اله‌یل له‌ کیس‌ چ‌ئ‌ / سه‌اله‌یل سییه‌ / سه‌اله‌یل ق‌ران، / سه‌اله‌یل‌گه‌ ه‌ناس‌م سه‌هر‌د‌تر له‌ ک‌ری‌وه‌ی / نق‌ۆ‌ر ده‌روه‌نه‌یل پ‌ له‌ وه‌فر ب‌ۆ‌، / سه‌اله‌یل سییه‌، / سه‌اله‌یل ق‌ران، / سه‌اله‌یل‌گه‌ تهر‌م ش‌یع‌ر / له‌ ئ‌ش‌که‌ف‌ت ده‌م / دار‌ا‌ۆ‌س ک‌ردن، / ئ‌ه‌و سه‌اله‌یله‌، / له‌ من و‌ ک‌ۆ‌ه، ل‌اری‌گ مه‌ن و‌ / له‌ تن و‌ ده‌ی‌ش‌ته‌، ق‌و‌لا‌خ‌ی‌گ، / چه‌پ‌ال چه‌پ‌ال / ئ‌اس‌ن‌ن دار‌پ‌زا و‌ من مه‌ن / نه‌ور ب‌ۆ‌م و‌ نه‌وار‌یم / ئ‌اگ‌رم ب‌ۆ‌م و‌ ده‌م نه‌ گ‌رم / وا ب‌ۆ‌م و‌ له‌ ه‌ر ده‌روه‌ن‌ی‌گ / که‌وه‌نه‌ ب‌گ‌م مه‌ن وه‌ ج‌یه‌و، / هه‌یه‌ان‌ی‌گه‌ من و‌ / که‌وه‌نه‌ که‌وه‌نه / یه‌ که‌و ب‌گ‌رم، / سه‌اله‌یل سییه‌ / سه‌اله‌یل له‌ کیس‌ چ‌ئ‌ / سه‌اله‌یل ق‌ران، / سه‌اله‌یل‌گه‌ له‌ تن‌و و‌ له‌ ل‌نگ و‌ له‌ ل‌نگ ر‌ۆ‌زه‌یل‌یان / ه‌از بر‌یم / نه‌ز چ‌ن‌یم / وش‌ک هه‌لات‌م، / هه‌ر سه‌ی ئ‌ه‌و سه‌اله‌یله‌ له‌ کیس‌ چ‌ئ‌، / وه‌لام نیش‌ان زام‌ی‌یان / له‌ ر‌ۆ‌ / له‌ش چ‌ر‌ۆ‌سیاگ‌م / هه‌ر ها وه‌ سه‌وو ... (سه‌عید ع‌باد‌ه‌ت‌یان: بانان)

ت ناس‌نامه‌ئ کیه‌نیه‌یلید / به‌ره‌وه‌یل زاگ‌رس در‌ا وه‌ در‌ا / له‌ ش‌وو‌وند شان شه‌کن ... / شار سه‌ر‌د‌ی‌گ له‌ئ‌ ز‌م‌سانه‌ هات‌یه‌! / وه‌فره‌ گان ئ‌ه‌ور وار‌ن! ... / رو‌ۆ‌ژ و‌ شه‌ه‌و دو سه‌ه‌رباز گ‌ی‌ژن / وه‌ ده‌س چه‌وه‌یلده‌و / وه‌ مه‌یل خ‌وه‌د گ‌هر دن / سه‌ه‌رباز به‌یل وه‌ ز‌وان ک‌ور دی‌و / هی‌مات جه‌هان که‌ن / ب‌سه‌یله‌ له‌ جه‌هان ت / مه‌نی کش‌وه‌ر تاز‌م‌ر ه‌وز تر ب‌که‌م / مه‌نی ز‌نه‌ی ئ‌ه‌لف‌ب‌ی تاز‌ه‌تر ... (جه‌لیل نا‌ه‌نگ‌ر ن‌ژاد)

م له‌ و‌ر‌ینه‌ی وا و‌واران / له‌ و‌لات‌ی‌گ و‌رسی په‌یا ب‌ۆ‌م / له‌ هام‌شوو کوومه‌ی ئ‌ابه‌مه‌یل / ک‌ ل‌ال ب‌ۆ‌نه و‌ و‌رسی هاوار ده‌ن / بر‌پ‌ندار ب‌ۆ‌م / له‌ خاپ‌و‌وره‌ی کات‌ز‌م‌ی‌ر ه‌گان / خاپ‌ۆ‌ر ب‌ۆ‌مه‌ و‌ له‌ وه‌ی‌ش‌ت نه‌و‌ین دام‌ل‌ک‌یامه‌ / ک‌ م هه‌م خودا توام هه‌م خور‌ما / له‌ نیش‌تمان‌ی‌گ ک‌ز و‌ کو‌ور / ژ‌نه‌یل‌گ نه‌ز‌وک / ک‌ ب‌ی‌ژ‌ی وه‌ خودا و‌ خور‌ما که‌ن و‌ / م‌خت کو‌ر په‌ گان‌ی‌یان وه‌ ل‌الی ده‌ن / ناخ‌ ک‌ م ژ‌ن‌ن‌ی‌گم خاپ‌ۆ‌ر / له‌ نیش‌تمان‌ی‌گ ک‌ز و‌ کو‌ور / ک‌ له‌ و‌را‌وه‌ی مات‌یک و‌ سک‌س‌وال‌یته‌ له‌ خوهم چ‌یمه‌ / له‌ی وش‌که‌سه‌ال ئ‌ه‌و‌ین و‌ د‌ل‌دار بیه‌ ئ‌اوس ش‌یع‌ر ی‌گ ب‌ۆ‌مه‌ / ک‌ نه‌ ز‌اید‌م و‌ نه‌ام و‌ نه‌ ز‌ا‌و‌ز ی‌گ / م‌ ب‌ی‌ژ‌ی وه‌ پ‌یته‌ گان ک‌ور‌د‌ستان که‌م ... (مه‌ر ب‌ه‌م نه‌مینی)

ش‌را و‌گره‌یل و‌ / ج‌ولا‌یل / ته‌نیا ه‌ۆ‌ر ش‌ه‌ی بو‌وی له‌ ک‌ۆ‌یه‌ نه‌ور ده‌ن! / چه‌مه‌ گان، سه‌ه‌ر ئ‌ه‌مان له‌ ئ‌ئ‌ ناو‌یت‌نه‌، که‌سه‌ئ‌ی‌ گ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ست‌یه‌ هه‌مه‌ له‌ ز‌وان ک‌ورد‌ی که‌ل‌گ ب‌گ‌ر‌ید و‌ هه‌م تا ئ‌است‌ی‌گ له‌ فه‌زای فول‌کل‌ۆ‌ر ج‌یا‌وه‌ بو‌ود و‌ مه‌ر ئ‌ه‌و گه‌یه‌یل کوومه‌ل‌ایه‌تی ب‌چ‌و‌ود، ش‌ام‌ی کرماشانی ب‌ۆ‌ه، شاع‌یر ئ‌ گ ت‌ۆ‌ه‌ن‌س‌ست‌یه‌ هه‌مه‌ له‌ ئ‌س‌تر اک‌چ‌ر ئ‌ه‌ده‌بیات و‌مه‌ر چه‌خوهری تا ئ‌است بان‌ی‌گ و‌مه‌ر و‌خیاوان / له‌ سه‌ئ‌ی‌ رای س‌ی‌روس دان‌س‌ناز‌ی‌گ هه‌س / ئ‌ه‌و د‌نان س‌از ه‌ره‌قیق په‌نده‌س / چ‌ۆ‌ن ره‌سی‌مه‌ وه‌سه‌ر سه‌ئ‌ رای س‌اراوه‌گ / جه‌م ب‌ین یه‌ی ع‌دی جوان ب‌س‌ئ‌ ره‌گ / یازده‌ نه‌فه‌ر ب‌ین، هه‌ر یازده‌ی خومار / گ‌ش‌ست وه‌خوماری ته‌ک دا‌ۆ‌نه‌ دیوار ... (شام‌ی کرماشانی)



س‌ی‌روس کوردی

ئ‌ه‌مان له‌ ئ‌ئ‌ ناو‌یت‌نه‌، که‌سه‌ئ‌ی‌ گ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ست‌یه‌ هه‌مه‌ له‌ ز‌وان کوردی که‌ل‌گ ب‌گ‌ر‌ید و‌ هه‌م تا ئ‌است‌ی‌گ له‌ فه‌زای فول‌کل‌ۆ‌ر ج‌یا‌وه‌ بو‌ود و‌ مه‌ر ئ‌ه‌و گه‌یه‌یل کوومه‌ل‌ایه‌تی ب‌چ‌و‌ود، ش‌ام‌ی کرماشانی ب‌ۆ‌ه، شاع‌یر ئ‌ گ ت‌ۆ‌ه‌ن‌س‌ست‌یه‌ هه‌مه‌ له‌ ئ‌س‌تر اک‌چ‌ر ئ‌ه‌ده‌بیات و‌مه‌ر چه‌خوهری تا ئ‌است بان‌ی‌گ و‌مه‌ر و‌خیاوه‌ بو‌ود و‌ هه‌م ت‌ۆ‌ه‌ن‌ست‌یه‌ وه‌ به‌ره‌ی تاز‌ی‌گ له‌ ئ‌ه‌ده‌بیات کوردی له‌ ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان بره‌س‌ید و‌ له‌وای ده‌رویش‌یان و‌ په‌ر ته‌و کرماشانی ئ‌ه‌ړ‌ای وه‌ده‌رنگ ناس‌یا‌ی بو‌ود:

تا من و‌ارد ب‌یم وه‌ی مه‌ه‌نت سه‌ه‌ر / وه‌ی د‌نیای پ‌ر چه‌ور پ‌ر وه‌ ماج‌ر / هه‌نو‌وز نه‌ش‌ناس‌ۆ‌م چه‌پ و‌راس ده‌ست / ده‌ست جه‌اندار جه‌انه‌ ب‌ی‌نم به‌س‌ت / من مه‌نم ئ‌ه‌ړ‌ای جه‌فای زه‌مانه‌ / په‌ی ت‌ی‌سر ته‌ع‌نه‌ی خ‌یش و‌ ب‌ی‌گانه‌ / له‌ به‌ع‌ده‌ز ده‌سه‌ال ف‌وت م‌اد‌رم / خ‌اک په‌ت‌یم‌یش ره‌ش‌یاده‌ سه‌رم ... د‌نانه‌م زان ک‌ر د‌په‌ی ده‌وای د‌نان / سه‌ره‌خو‌مه‌ هه‌ل‌گ‌رد و‌مه‌ر و‌خیاوان / له‌ سه‌ئ‌ی‌ رای س‌ی‌روس دان‌س‌ناز‌ی‌گ هه‌س / ئ‌ه‌و د‌نان س‌از ه‌ره‌قیق په‌نده‌س / چ‌ۆ‌ن ره‌سی‌مه‌ وه‌سه‌ر سه‌ئ‌ رای س‌اراوه‌گ / جه‌م ب‌ین یه‌ی ع‌دی جوان ب‌س‌ئ‌ ره‌گ / یازده‌ نه‌فه‌ر ب‌ین، هه‌ر یازده‌ی خومار / گ‌ش‌ست وه‌خوماری ته‌ک دا‌ۆ‌نه‌ دیوار ... (شام‌ی کرماشانی)

له‌ ناو ش‌یع‌ر شام‌ی کرماشانی ئ‌یمه‌دی وه‌گ‌رد په‌ی فه‌زای فول‌ک‌ر ر‌ۆ‌ه‌ر ئ‌س‌یه‌ۆ‌من، وه‌ل چ‌ی‌رو‌وک ر‌ۆ‌ه‌ر ب‌ۆ‌من، وه‌ ف‌ۆ‌رم ش‌یع‌ر ته‌نیا یه‌ی په‌یره‌نگه‌ تا ئ‌ئ‌ چ‌ی‌روو که‌یله‌ وه‌ گو‌وش و‌مه‌ر ده‌نگ بره‌س‌ن‌ید. شام‌ی کرماشانی کار‌ی‌گ‌ری فر‌ه‌ی‌گ ناده‌ بان ئ‌ه‌ده‌بیات ده‌سه‌ی سی‌ه‌ و‌ فه‌زای گ‌ر‌ۆ‌ت‌س‌ک له‌ ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان، به‌ش‌ی‌گه‌ له‌ ئ‌ه‌ده‌بیات گ‌ ئ‌یمه‌ و‌مه‌ر چه‌شام‌ی کرماشانی ئ‌ه‌و جو‌ور گ‌ بایه‌س له‌ که‌سی‌گ نه‌ی‌منه‌.

هه‌ر چ‌ئ‌ ب‌ۆ‌ه ئ‌ه‌ده‌بیات خه‌م‌ی‌ن‌ی‌گ ب‌ۆ‌ه گ‌ یا له‌ م‌ردن ئ‌ه‌ف‌ین گه‌پ د‌اس یا له‌ وه‌ جه‌نگ چ‌ئ‌ن کو‌ر نازار، ئ‌ه‌مان شام‌ی کرماشانی ئ‌ئ‌ ن‌س‌تر اک‌چ‌ر مان‌اییه‌ ش‌کا‌ن‌ی‌یه‌ و‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ست‌یه‌ له‌ ناو یه‌ی کانت‌ک‌س‌ت ک‌ۆ‌مه‌دی، و‌مه‌رو گ‌ی‌چه‌ل‌ه‌یل کوومه‌ل‌گا ب‌چ‌و‌ود و‌ ئ‌یمه‌ له‌ ناو ش‌ی‌م‌یره‌ گان‌ئ‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌مه‌ره‌ که‌ی‌ل‌ی‌گ له‌ سه‌ه‌ر تا‌ی چ‌ی‌رو‌وک ن‌ۆ‌سان ک‌وردی له‌ ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان ب‌ۆ‌ن‌یم‌نه‌و.

له‌ به‌ره‌ی س‌ت‌ی‌یم د‌ۆ‌ن‌یم ک‌ر فره‌تر له‌ به‌ره‌ی د‌و‌ن‌یم، ئ‌یمه‌ وه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌ین ئ‌ه‌ړ‌ای ئ‌اف‌راندن به‌ی پ‌یناسه‌ی نو‌وره‌سه‌م‌ینه‌، یان‌ئ‌ ئ‌ه‌دیبه‌یل و‌ به‌ره‌مه‌ی‌ل‌گ په‌سه‌ی و‌مه‌ر و‌مه‌ر له‌ ناو قه‌فه‌س ه‌ی‌مه‌ن خو‌ه‌یان ت‌یه‌نه‌و ده‌ی‌ش‌ست، له‌ ناو تو‌وک ناز‌ک‌ گ‌ له‌ ده‌ور ت‌یان ب‌ۆ‌ه په‌س‌ای ئ‌ۆ‌شن گ‌ بایه‌س له‌ ش‌وو‌ون د‌نیای نو‌و‌ی‌گ ب‌ۆ‌من، ئ‌ه‌مان وه‌ هه‌ر ه‌ال چ‌ۆ‌ن ئ‌ئ‌ به‌ره‌ر ئ‌ه‌و ده‌سه‌ل‌اته‌گ بایه‌س ن‌ی‌یا‌ش‌ت‌ی‌یه‌ و‌ ئ‌ی‌که‌ش له‌ ل‌ایه‌ن ئ‌ئ‌ گه‌په‌، به‌ره‌ی سه‌ه‌ر تا‌ی‌ی وه‌ ژمار ت‌ید.

هه‌ر سه‌سه‌ی له‌ به‌ره‌یل و‌مه‌ر چه‌خوهری، و‌مه‌ر ده‌نگ فره‌تر ی‌گ ده‌ی‌سه‌ه‌و، ئ‌ه‌مان هه‌م‌یش له‌ جو‌ور گ‌ بایه‌س نه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ست‌یه‌ خو‌ه‌یا‌ن وه‌مه‌ر ده‌نگ بره‌س‌ن‌ن و‌ ت‌ۆ‌ش په‌ش‌ی‌و ب‌ۆ‌ن هات‌نه‌گ ئ‌ه‌ل‌ب‌ه‌ت له‌ گ‌شت د‌نیا ئ‌ئ‌ پ‌رو‌وسه‌ د‌یم‌نه‌ و‌ یه‌ی چ‌ش‌ت تاز‌ی‌گ ن‌ی‌یه‌، ئ‌یمه‌ هه‌نای توایم له‌ تو‌وقه‌فه‌س ه‌ی‌مه‌ن خو‌ه‌مان بای‌مه‌نه‌ ده‌ی‌شت، تا وه‌ل د‌نیای تاز‌ه‌ی گ‌ له‌ ئ‌ئ‌ ژ‌یه‌یم ئ‌اش‌ناوه‌ ب‌ۆ‌من، هات‌ئ‌ ز‌وانمان نه‌خو‌ه‌ش بو‌ود، هات‌ئ‌ زه‌ی‌مان نه‌خو‌ه‌ش بو‌ود، هات‌ئ‌ د‌ل‌نگ و‌مه‌رمان له‌ ک‌ی‌س ب‌چ‌و‌ود، ئ‌ه‌مان و‌مه‌ر وه‌ر گ‌شت چ‌ش‌ت در سه‌و بو‌ود، وه‌ ئ‌ئ‌ در سه‌و ب‌ۆ‌نه‌ له‌ بان ه‌ی‌ل رخ‌نه‌ گ‌ری و‌ ش‌ی‌کار‌ی وه‌ ده‌س ت‌یه‌ید، نه‌رخ یه‌ک ب‌ردن تا له‌نو‌و ب‌چ‌یم‌نه‌ ناو قه‌فه‌سه‌گ‌دی خو‌ه‌مان.

له‌ به‌ره‌ی چ‌وارم ت‌ۆ‌ه‌ن‌یم ب‌نو‌ور ی‌مه‌نه‌ ئ‌ئ‌ نم‌و‌نه‌ی‌له‌:

- وه‌ړ‌اس، / ئ‌یره‌ کو‌وره‌ئ د‌نیاس‌ / ل‌ ئ‌ا و‌ا وه‌هار و‌واران / له‌ ل‌ئ‌ی واز ت‌یه‌رن / ئ‌یره‌ کو‌وره‌ئ د‌نیاس‌؟! / ک‌یه‌ن‌ی‌یه‌ گان / چ‌ۆ‌نه د‌ل لیخ‌ن / دی ش‌ازان‌ئ‌ مان‌گ / ل‌ۆ‌یه‌ت ل‌ۆ‌یه‌ت / له‌ ناو‌ت‌یان س‌ناو نیه‌ که‌ئ‌! / وه‌ړ‌اس / ئ‌یره‌ کو‌وره‌ئ د‌نیاس‌؟! / ک‌و چ‌گه‌یل / بو‌وی له‌ ک‌ۆ‌یه‌ نه‌ور ده‌ن! / چه‌مه‌ گان، سه‌ه‌ر

ت‌ۆ‌ه‌ن در‌ی‌ژه ی‌ته‌ن.

ده‌سه‌که‌ف‌ت هه‌ر ئ‌ه‌و جو‌وره‌گ د‌ۆ‌ن‌یم، ته‌نیا له‌ به‌ره‌ی یه‌کم، و‌ ته‌نیا له‌ سه‌ه‌ر ده‌م خو‌ه‌ی، یه‌ ئ‌ه‌ده‌بیات ف‌ۆ‌ل‌کل‌ۆ‌ره‌گ ت‌ۆ‌ه‌ن‌س‌ست‌یه‌ وه‌ل و‌مه‌ر ده‌نگا په‌یوه‌ندی ق‌ۆ‌ل‌ی‌گ ب‌گ‌ر‌ید، یان‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بیات‌ئ‌ی گ‌ ف‌ی‌ل‌تر رام‌بار‌ی له‌ وه‌ر و‌ له‌ پ‌ش‌ت‌ئ‌ ن‌یه‌، زه‌ی‌ن و‌مه‌ر ده‌نگ و‌ ن‌ۆ‌سه‌ر ئ‌ یه‌ک‌ی‌گه‌، و‌وه‌ مد‌وو یه‌سه‌گ ژ‌ۆ‌رم مه‌ر دم و‌مه‌ر و‌ ئ‌ه‌ده‌بیات فول‌ک‌ زو‌ور که‌ن و‌ ئ‌ه‌و ئ‌ه‌ده‌بیاته‌ ئ‌ه‌ړ‌ایان چ‌یز به‌خ‌ش‌تره‌، چ‌ۆ‌ن وه‌ مد‌وو‌یل رام‌بار‌ی، سه‌ئ‌ به‌ره‌ی تره‌ک نه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌س‌ست‌ته‌ په‌یوه‌ندی نازان‌ی‌گ له‌ ئ‌ه‌ده‌بیات کوردی ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان دا‌ش‌ت‌و‌ون.

ئ‌یم‌روو د‌ۆ‌ن‌یم گ‌ هه‌ر شاع‌یر یا ن‌ۆ‌سه‌ر ئ‌ گ‌ ه‌ی‌مان هاله‌ ناو گه‌پ مه‌ش‌که‌ و‌ دو‌و، ت‌ۆ‌ه‌ن‌س‌ست‌یه‌ و‌مه‌ر ده‌نگ فره‌تر ی‌گ و‌مه‌رو خو‌ه‌ی بار‌ید، له‌ ناو مو‌وس‌یق‌یا‌ش هه‌ر یه‌سه‌، چ‌ۆ‌ن زه‌ی‌ن خو‌ه‌ی و‌مه‌ر ده‌نگ وه‌ مد‌وو ف‌ی‌ل‌تر ی‌ل ږه‌از رام‌بار‌ی، ه‌ی‌مان هاله‌ بان ئ‌ئ‌ ه‌ی‌له‌، یه‌ ئ‌ه‌ده‌بیات ناز‌ای (له‌ باوه‌تی په‌یوه‌ندی گ‌ر‌نا) ناوچه‌ی ئ‌یمه‌س، وه‌ په‌یوه‌ مان‌ای خ‌اس ب‌ۆ‌ن ن‌یه‌، ته‌نیا ئ‌ئ‌ جو‌ور ت‌ۆ‌ه‌ن‌یم ب‌نو‌ور ی‌م گ‌ ئ‌ه‌ده‌بیات وه‌ل ک‌وو‌مه‌ل‌گا و‌ ده‌ر‌ۆ‌ن ئ‌ایمه‌ گان هات‌چ‌وو د‌ی‌ت‌ر‌ید و‌ هه‌نای ه‌ی‌مان ژ‌ۆ‌رم و‌مه‌ر ده‌نگ هه‌ز و‌ مه‌ش‌که‌و دو‌و، ن‌ۆ‌سه‌ر و‌ شاع‌یریش هه‌ر وه‌ ئ‌ئ‌ ر‌ی‌به‌و چ‌و‌ود تا په‌یوه‌ندی نازان‌ی‌گ در‌س ب‌که‌ید.

یان‌ئ‌ نه‌خو‌ه‌شه‌یل ده‌ور ده‌ن یه‌ک و‌ چ‌ۆ‌ن له‌وای یه‌ک، خو‌ه‌ش‌ی که‌ن! ئ‌ه‌ده‌بیات له‌ هه‌ر و‌لا‌ت‌ی‌گ نیه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ید م‌ۆ‌ع‌جزه‌ ب‌که‌ید، نیه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌ید وه‌ ته‌ن‌ی‌ای گ‌ش‌ت چ‌ش‌ت ب‌گ‌ۆ‌ر ن‌ید، ئ‌ه‌ده‌بیات هه‌وه‌جه‌ وه‌ سی‌س‌تم په‌ر‌مه‌ر ده‌، زه‌ی‌ن ز‌گار، وه‌ ناگاه‌ی‌ی و‌وه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌ین ئ‌ه‌ړ‌ای ناگاه‌ی‌ د‌ی‌ر‌ید؛ له‌ ئ‌ئ‌ ر‌ی‌به‌، هات‌ئ‌ خود ئ‌ه‌ده‌بیات ت‌ۆ‌ش ش‌ه‌ر با‌ید، هات‌ئ‌ نه‌خو‌ه‌ش ب‌که‌ف‌ید، هات‌ئ‌ و‌مه‌ر ده‌نگ خو‌ه‌ی نه‌ۆ‌ن‌ید‌وه‌، ئ‌ه‌مان ئ‌ئ‌ ر‌ی‌به‌ هه‌م‌یشه‌ در‌ی‌ژه د‌ی‌ر‌ید و‌ بایه‌س دا‌ش‌ت‌و‌ود.

سه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌یم ب‌ۆ‌ش‌یم ئ‌ه‌ده‌بیات له‌ ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان جار‌ی‌گ هه‌ز و‌ م‌ۆ‌ت‌ی‌قه‌یل ئ‌ه‌ده‌بیات فول‌ک‌، شاع‌یره‌یل ناس‌یا‌ی گ‌ ش‌یع‌ر ت‌یان له‌ ناو ده‌م وزه‌ی‌ن و‌مه‌ر ده‌نگ گل خو‌ه‌ید، ه‌ی‌مان په‌س‌ای له‌ ئ‌ه‌ده‌بیات فول‌ک‌ که‌ل‌ک گ‌رن و‌ مد‌وو یه‌ک ئ‌ړ‌ا ئ‌ئ‌ کاره‌ که‌ن یه‌سه‌گ هه‌نای کوومه‌ل‌گا ئ‌ئ‌ ش‌ی‌وه‌ ئ‌ه‌ړ‌ای چ‌یز به‌خ‌شه‌ و‌ هه‌نای ده‌سه‌لات رام‌بار‌یش هه‌ز و‌ هه‌ر ئ‌ئ‌ ش‌ی‌وه‌سه‌، فره‌ له‌ ن‌ۆ‌سه‌ره‌یل گ‌ خود ئ‌ه‌ده‌بیات ئ‌ه‌ړ‌ایان گ‌ر‌نگ ن‌ی‌یه‌ و‌ ته‌نیا له‌وای یه‌ی نه‌م‌زاره‌ ئ‌ه‌ړ‌ایان، وه‌ ئ‌ئ‌ ش‌ی‌وه‌ له‌ئ‌ی که‌ل‌ک گ‌رن و‌ ئ‌ه‌و چ‌ش‌ته‌گ ها ناوزه‌ب‌ن‌ی‌یان وه‌ ز‌وان ت‌یه‌رن.

ئ‌ه‌مان و‌مه‌ر وه‌ره‌ کوومه‌ل‌گا په‌س‌ای گو‌رجه‌و بو‌ود ئ‌ه‌ړ‌ای په‌یا ک‌ردن به‌ی پ‌یناسه‌ی ج‌یا‌واز گ‌ به‌ش‌ی‌گ له‌ ئ‌ئ‌ پ‌یناسه‌ ت‌ۆ‌ه‌ید له‌ ئ‌ه‌ده‌بیات تازه‌ له‌ سه‌ه‌ر ده‌م ئ‌یم‌روو سه‌ه‌ر چه‌وه‌ ب‌گ‌ر‌ید، ئ‌ه‌ده‌بیات نازان‌ی‌گ تا‌ی‌به‌ت وه‌ سه‌ر ده‌م خو‌ه‌مان گ‌ ب‌ت‌ۆ‌ه‌ن‌ید وه‌ در‌سی له‌ ن‌ۆ‌سه‌ره‌ وه‌مه‌ر ده‌نگ بره‌س‌ید، هه‌ر سه‌سه‌ی زه‌مان فره‌ی‌گ به‌ید ئ‌ه‌مان شو‌و‌ن‌ئ‌ که‌ف‌ت‌سه‌و ده‌ی‌شت.

سه‌ر چه‌وه‌ گان پ‌یناسه‌، فرانس‌یس ف‌ۆ‌ک‌یاما، هه‌ل‌گه‌ر دان ئ‌براه‌یم‌زه‌نجانی، نه‌شر که‌و‌یر، ۱۳۹۸. دیوان ئ‌ر که‌وازی، وه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌ین زاهر سارایی، نه‌شر زانا، ۱۳۹۱. دیوان کامل شاکا‌ه‌ و‌ خان مه‌سه‌ۆ‌ر، وه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌ین مح‌مه‌دعه‌لی قاس‌می، نه‌شر باش‌و‌ور، ۱۴۰۰. ر‌ه‌که‌ئ‌ کاوه‌، جه‌لیل نا‌ه‌نگ‌ر ن‌ژاد، نه‌شر د‌ی‌باچه‌، ۱۳۹۹.

ل‌یک‌ۆ‌ل‌ین و‌ خ‌سار ناس‌ی ش‌یع‌ر کوردی (ئ‌یلام و‌ کرماشان)، مازیار نه‌زه‌ربه‌ی‌گی، نه‌شر د‌ی‌باچه‌، ۱۳۹۵.

نا‌ت‌ۆ‌ر ال‌ی‌سه‌م، ل‌ی‌لی‌بان ف‌ۆ‌رست، پ‌ی‌تر ئ‌س‌کرین، هه‌ل‌گه‌ر دان حه‌سه‌ن ئ‌ه‌فش‌ار، نه‌شر مه‌ر که‌ز، ۱۳۹۷. هه‌رمان‌ی‌گ له‌ ب‌ید‌ه‌نگ‌ی، ژ‌بار جه‌هان‌قه‌رد، نه‌شر د‌ی‌باچه‌، ۱۳۹۷.

نه‌ ت‌ۆ‌ه‌ن ئ‌ه‌و جو‌ور گ‌ بایه‌س ب‌کو‌وش‌ن و‌ ئ‌ه‌ده‌بیات خو‌ه‌یا‌ن وه‌مه‌ر ده‌نگ بره‌س‌ن، و‌ ئ‌ه‌گه‌ر فه‌زای مه‌جاز‌ی و‌ چه‌نان هه‌ف‌ته‌نامه‌ و‌ گو‌ف‌ار وه‌ ئ‌ه‌ور ئ‌ئ‌ که‌ف‌تان، هات‌ئ‌ هه‌ر ئ‌ئ‌ و‌مه‌ر ده‌نگ که‌م‌یش‌ه‌ له‌ ده‌ور ئ‌ه‌ده‌بیات کوردی ئ‌ئ‌ ناوچه‌ کو‌وه‌و نه‌ۆ‌اتان.

به‌ش‌تر له‌ ئ‌ئ‌ به‌ره‌ ئ‌ه‌مان چ‌ینه‌سه‌ شو‌ون ئ‌ه‌ده‌بیات‌ئ‌ گ‌ ده‌سه‌لات هاله‌ل‌ پ‌ش‌ت‌ئ‌، یان‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بیات فول‌کل‌ۆ‌ر و‌ ئ‌ه‌ده‌بیات‌ئ‌ی گ‌ هه‌ز و‌ ز‌وان فار‌سی‌ه‌ و‌وه‌ ناوه‌ند ن‌ز ی‌که‌. ن‌ۆ‌سه‌ره‌یل ئ‌ئ‌ به‌ش‌ه‌ فره‌تر ناس‌یا‌نه‌ و‌مه‌ر ده‌نگ فره‌تر یانه‌ ناس‌ئ‌ تا ن‌ۆ‌سه‌ره‌یل به‌ش یه‌ک، هه‌ر وه‌ ئ‌ه‌و مد‌وو‌ه‌گ وه‌تم، ده‌سه‌ل‌ات له‌ ئ‌ه‌و ن‌ۆ‌سه‌ره‌یله‌ وه‌ مد‌وو‌ه‌یل رام‌بار‌ی پ‌ش‌ته‌گری که‌ید.

تر‌ی‌ی‌و‌ن فره‌تر ی‌گ له‌ ده‌س د‌ی‌رن، و‌ ج‌یا له‌ یه‌، زه‌ی‌ن م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد له‌ کرماشان و‌ ئ‌یلام فره‌تر هه‌ر و‌ ئ‌ه‌ده‌بیات فول‌کل‌ۆ‌ره‌ و‌ ه‌ی‌مان له‌ ئ‌ه‌و به‌ره‌ مه‌ن‌سته‌ج‌ی، وه‌ مد‌وو یه‌گ وه‌ل ئ‌ه‌ده‌بیات تازه‌یا ئ‌اش‌نا ن‌ی‌ین و‌ ئ‌ه‌ړ‌ای خو‌ه‌ن‌س‌س‌تن ئ‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بیات تازه‌ وه‌ در‌سی په‌ر‌مه‌رده‌ نه‌ۆ‌نه‌ و‌ ئ‌ه‌ل‌ب‌ه‌ت ک‌وو‌مه‌ل‌گای ک‌ۆ‌نه‌پار‌ت‌یز له‌ گو‌ږیان ق‌هره‌تر س‌ید.

وه‌داخه‌وه‌ یه‌ی ب‌ر‌یش هه‌ن گ‌ وه‌ ناواناس زه‌ن‌یه‌ت کوردی تو‌ان گ‌ ئ‌ئ‌ پ‌رو‌وسه‌ پ‌یش ب‌چ‌و‌ود، یان‌ئ‌ ته‌ن‌یا ده‌س گ‌ر ته‌سه‌مل ئ‌ئ‌ ک‌لاوه‌گ‌ر ن‌ریاسه‌ سه‌ر مه‌ر د‌مان ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان، ئ‌ه‌مان بایه‌س ب‌ۆ‌ش‌م به‌ پ‌یلا‌ن‌ی‌گه‌گ ئ‌ه‌ړ‌ای م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد هه‌لدانه‌گ م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد ف‌کر ب‌که‌ید به‌ هه‌ر پ‌یناسه‌یه‌ و‌ هه‌ر یه‌زه‌ی‌ن ک‌ورده‌، و‌ ئ‌ه‌گه‌ر له‌ ناو یه‌ی ش‌یع‌یر یا چ‌ی‌رو‌وک گه‌پ له‌ نا‌پار‌تمان یا چ‌ش‌ته‌یل نو‌وخ‌واز به‌ید دی زه‌ن‌یه‌ت ک‌وردی نه‌ئ‌ر‌ید و‌ یه‌ له‌ ل‌ایه‌ن که‌سه‌ی‌ل‌ی‌گ په‌س‌ای پ‌یش چ‌و‌ود گ‌ وه‌ مد‌وو ج‌یه‌گ‌ای گ‌ د‌ی‌رن خ‌سار فره‌تر ی‌گ په‌س‌ای ره‌س‌ن.

ئ‌ه‌ړ‌ای نم‌و‌نه‌ هه‌نای نو‌ور ی‌مه‌نه‌ شه‌ه‌و ش‌یع‌ر ی‌گ، به‌ر پر سه‌گان‌ئ‌ یه‌کم ک‌ار‌ئ‌ گ‌ که‌ن یه‌سه‌ چ‌ن چه‌نان مه‌وج و‌ گ‌ل‌ی‌م ت‌یه‌رن و‌خه‌نه‌و و‌ ئ‌ه‌گه‌ر دا‌ش‌ت‌و‌ون مه‌ش‌که‌ی‌گ‌یش که‌نه‌ دارا و‌ ئ‌ی‌که‌ش ژ‌ۆ‌رم ش‌یع‌یره‌یل‌گ‌ خو‌ه‌نیه‌ید هه‌ر ئ‌ه‌و ش‌یع‌ره‌یل فول‌کل‌ۆ‌ره‌سه‌گ که‌م‌ی‌گ گ‌ۆ‌ږیا‌یه‌ و‌ ئ‌ی‌که‌ش د‌و‌ای چه‌پ کو‌تان و‌ ف‌یکه‌ ک‌ی‌ش‌ان ئ‌ۆ‌شن یه‌ هه‌ر ئ‌ه‌و زه‌ن‌یه‌ت ک‌ورده‌سه‌، مه‌لدان نا‌وا و‌ ئ‌ی‌که‌ش یه‌که‌یه‌ که‌چ‌نه‌ ئ‌ه‌ړ‌ای ما‌ل!

له‌راس بایه‌س ب‌ۆ‌ش‌م یه‌وه‌ چالاک‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بی نیه‌ودن گ‌ ه‌ۆ‌چ خ‌سار فره‌ی‌گ‌یش ره‌س‌ن‌ید ئ‌ه‌گه‌ر گ‌ش‌ت ئ‌ه‌ده‌بیات‌مان وه‌ ئ‌ئ‌ ش‌ی‌وه‌ پ‌یش ب‌چ‌و‌ود. ئ‌ه‌مان ج‌یا له‌ یانه‌ که‌سه‌ی‌ل‌ی‌گ هه‌ن گ‌ پ‌س‌ای وه‌ در‌سی کو‌وش‌ن و‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌یم له‌ ئ‌ئ‌ سه‌ر ده‌مه‌وه‌ پ‌ی‌ان ئ‌م‌ید‌وار م‌ ب‌ۆ‌من تار‌ئ‌ رو‌ۆ‌ژ ناز‌ی‌گ ئ‌ه‌ړ‌ای بانان ئ‌ه‌ده‌بیات کوردی له‌ ناوچه‌ی ئ‌یلام و‌ کرماشان ب‌نه‌نه‌و، هه‌ر سه‌ی کار ئ‌ه‌ړ‌ایان د‌ۆ‌زاره‌، ئ‌ه‌مان تا ئ‌ی‌سه‌ نیش‌ان دانه‌گ



له به‌ره‌ی سه‌ئ‌یم د‌ۆ‌ن‌یم گ‌ فره‌تر له‌ به‌ره‌ی دو‌ن‌یم، ئ‌یمه‌ وه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌ین ئ‌ه‌ړ‌ای ئ‌اف‌راندن یه‌ی پ‌یناسه‌ی نو‌وره‌سه‌م‌ینه‌، یان‌ئ‌ ئ‌ه‌دیبه‌یل و‌ به‌ره‌مه‌ی‌ل‌گ په‌سه‌ی و‌مه‌ر و‌مه‌ر له‌ ناو قه‌فه‌س ه‌ی‌مه‌ن خو‌ه‌یان ت‌یه‌نه‌و ده‌ی‌شت

باش‌و‌ور چ‌ئ‌ و‌ / تن‌یش وه‌لا‌برد ... (عه‌لی ئ‌ول‌فه‌تی)

هه‌ر ئ‌ه‌و جو‌وره‌گ وه‌ت‌سیم له‌ به‌ره‌ی چ‌وارم ته‌ت‌یه‌یمه‌ دو‌جو‌ور ئ‌ه‌ده‌بیاتا، یه‌ی جو‌ور ئ‌ه‌ده‌بیات نو‌وخ‌واز وه‌ ز‌وان کوردی گ‌ ها له‌ شو‌ون یه‌گ م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد خو‌ه‌ی ب‌ناس‌ید و‌ پ‌یناسه‌ی م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد دیار به‌ ب‌که‌ید. هه‌نای نو‌ور ی‌مه‌نه‌ ئ‌ئ‌ به‌ش له‌ ئ‌ه‌ده‌بیاته‌ د‌ۆ‌ن‌یم گ‌ نه‌ت‌وه‌ پار‌ژ‌ی له‌ ناو‌ئ‌ دیار به‌ و‌ له‌ شان یه‌ ت‌ی‌کو‌وش‌یه‌گ ئ‌ه‌ړ‌ای خو‌ه‌ی یه‌ی ئ‌س‌تر اک‌چ‌ر نو‌و ب‌ۆ‌ن‌ید‌وه‌، ته‌ن‌یا له‌ ف‌ۆ‌رم و‌ ئ‌س‌تر اک‌چ‌ر ش‌یع‌ر که‌ل‌گ نه‌گ‌ر ته‌نه‌.

له‌ ش‌ی‌وه‌یل تره‌ک ئ‌ه‌ده‌ب‌یش له‌وای چ‌ی‌رو‌وک کو‌ل و‌ ر‌ۆ‌مان‌یش که‌ل‌گ گ‌ر ته‌نه‌ و‌ ت‌ۆ‌ه‌ن‌سته‌گ ئ‌ه‌ده‌بیات کوردی له‌ ناوچه‌ی کرماشان و‌ ئ‌یلام، ل‌انکه‌م له‌ ل‌ایه‌ن ن‌ۆ‌سمان و‌ به‌ش ن‌ۆ‌سه‌ر و‌ به‌ره‌مه‌و ته‌ناس‌ت تا‌ی‌به‌ت‌ی‌گ بره‌س‌ن. له‌ شان یانه‌، هه‌ل‌که‌ف‌ت فره‌گ‌رنگ‌ئ‌ گ‌ د‌ۆ‌ن‌یم یه‌سه‌گ ئ‌ه‌ده‌بیات ژ‌ن‌یش په‌سه‌ای و‌مه‌ر وه‌ر په‌راز وه‌ بو‌ود، ژ‌نه‌یل په‌س‌ای ت‌یه‌نه‌م‌یدان و‌ ن‌ۆ‌س‌ن و‌ ده‌نگ د‌ی‌رن.

ئ‌ه‌مان گ‌ی‌چه‌ل گه‌روای گ‌ هاله‌ سه‌ر ر‌ئ‌ ئ‌ئ‌ به‌شه‌یه‌سه‌گ ئ‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بیاته‌ له‌ ناوچه‌ی کرماشان و‌ ئ‌یلام و‌مه‌ر ده‌نگ وه‌ دو‌مد‌وو سه‌ره‌کی د‌ۆ‌ر که‌ف‌ت‌یه‌، مد‌وو یه‌کم یه‌سه‌گ م‌ر‌ۆ‌ف ک‌ورد له‌ ئ‌ئ‌ ناوچه‌ ز‌وان کوردی یای نیه‌گ‌ر‌ید، سه‌ه‌ و‌مه‌ر ده‌نگ ته‌نانه‌ت ئ‌ئ‌ ر‌ی‌ن‌ۆ‌سی‌شه‌ه‌ ن‌یه‌ز ان‌ید گ‌ ب‌ت‌و‌اید ئ‌ئ‌ ئ‌ه‌ده‌بیاته‌ ب‌خ‌وه‌ن‌ید.

مد‌وو د‌و‌ن‌یم یه‌سه‌گ ده‌سه‌ل‌ات‌دار لاداری له‌ ن‌ۆ‌سه‌ر ک‌ور د‌ی‌ن‌ۆ‌س نه‌ک‌ر د‌ی‌یه‌ و‌ یه‌ بو‌وده‌ مد‌وو یه‌گ ن‌ۆ‌سه‌ره‌یل ک‌ورد له‌ ئ‌ئ‌ ناوچه‌



هه‌ل‌گه‌ر دان

یه‌خ‌ی‌گ که‌ تامازوو خو‌هر ب‌ۆ‌



ن‌ۆ‌سه‌ر: دو‌کت‌ور ر‌زا مه‌وزو‌ونی
هه‌ل‌گه‌ر دان وه‌ کوردی: ساب‌ر سه‌بو‌وری

یه‌ک‌ئ‌ ب‌ۆ‌...

ز مه‌سان بار خو‌ه‌ی به‌سا‌ۆ‌د‌وه‌هار وه‌ نه‌رمه‌ نه‌رم ها‌ت‌ود. گو‌له‌یل و‌ سه‌ه‌زه‌یل یه‌ک‌ئ‌ یه‌ک‌ئ‌ سه‌ر له‌ ژ‌ئ‌ر خ‌اک ده‌ر ها‌ور دیان.

تلا‌شه‌ی ب‌ۆ‌چ‌گ یه‌خ نیش‌ست‌ۆ‌ده‌ ل‌ای سان گه‌ورا.

ت‌مام ز مه‌سان سه‌ر نا‌ۆ‌ده‌ سینه‌ی سان. ج‌ی خاس‌ی‌گ ئ‌ه‌ړ‌ای خه‌ف‌تن ب‌ۆ‌.

وای سه‌ه‌رد‌ئ‌ که‌ له‌ ل‌ۆ‌ت‌گه‌ی ک‌ۆ‌ه‌سان ها‌ت‌یا گیان یه‌خ ږ چ‌گان‌ۆ‌د و‌ ق‌ورس و‌ سه‌خت‌ئ‌ ک‌رد‌ۆ‌. له‌ش‌ئ‌ وه‌ک ش‌یشه‌ ږو‌وش‌ن ب‌ۆ‌.

چه‌ن رو‌ۆ‌ژ ی‌گ ب‌ۆ‌ که‌ یه‌خ هه‌ست ک‌رد یا گیان‌ئ‌ خ‌تی م‌تی ده‌ن.

یه‌ی رو‌ۆ‌ژه ی‌وا‌ش چه‌وه‌ی‌ل‌ئ‌ وا ک‌رد و‌ له‌ ناو ش‌اخ و‌ پ‌ه‌ل دار‌ی‌گ که‌ له‌ ژ‌ئ‌ر س‌ای خه‌ف‌ت‌ۆ‌

انتخابات مجلس شورای ملی
در عصر محمدرضاشاه

● دکتر شهرام اردشیریان

بخش چهارم: نقش حزب ایران نوین
حوزه سنقر و کلیایی

در دوره ی بیست و یکم تمامی نمایندگان استان کرمانشاه از حزب ایران نوین انتخاب شدند. صادق احمدی عضو این حزب، با حمایت حزب ایران نوین در این حوزه به مجلس راه پیدا کرد.

او فرزند عباس، در اسفند ۱۲۹۹ در کرمانشاه متولد شد و دوران ابتدایی را در کرمانشاه به اتمام رساند. احمدی مقطع متوسطه را در دارالفنون تهران گذرانده و در دانشگاه تهران، کارشناسی حقوق را به پایان رساند.

پس از تحصیلات به استخدام وزارت دادگستری درآمد و در مشاغل متعددی خدمت کرد که عبارت بودند از: دادیار داسرای تهران، بازپرس دادگستری کرمانشاه، اصفهان و تهران و بازپرس دیوان کیفری.

صادق احمدی در آن مناصب مدتی مشغول خدمات قضایی بود، سپس مقام معاون بازپرسی کل نخست وزیری را به او تفویض کردند. او در دوره ی نخست وزیری جعفر شریف امامی (۱۳۴۰) به مدیریت سازمان بازپرسی کل نخست وزیری منصوب گشت.

او سپس دادستان و معاون بازرسی کل کشور شد و بعد از نمایندگی در وزارت دادگستری پست های دیگری را به دست آورد و توسط امیرعباس هویدا دو دوره به عنوان وزیر دادگستری انتخاب شد.

آخرین مقام صادق احمدی رئیس دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات بود و او پس از انقلاب اسلامی مدتی دستگیر شد و در سال ۱۳۷۰ در تهران در گذشت.

این نماینده ی وابسته به حزب ایران نوین، نگاه مثبتی به غرب داشت و برای کسب ریاست مجلس تلاش نمود که موفق نشد. او در دوره ی وزارتش در خصوصی رف بازداشت زندانی شدن مردان بابت مهریه و نفقه از سوسی زنان تلاش نمود و اقداماتش راه به جایی نبرد.

صادق احمدی در جلسه ۱۰۴ مجلس شورای ملی در دوره ی بیست و یکم، برای بررسی لایحه ی «راجع به اجازه ی استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت ها و معافیت های قرار داد وین و ابلاغ به دولت، یا همان کاپیتولاسیون حضور داشت که در مخالفت با آن موضعگیری و مخالفت نمود.

در این جلسه از تعداد ۱۸۸ نفر نماینده ی مجلس، تعداد ۱۳۶ نفر حاضر بودند و حزب ایران نوین با ۱۳۸ نماینده فراکسیون اکثریت را در اختیار داشت. موافقان لایحه، تعداد ۷۴ نماینده بودند و این تعداد حاضرین در مجلس و رای کمتری که به تصویب لایحه داده شد ناشی از عدم موافقت نمایندگان با کاپیتولاسیون بود.

هزینه تصویب آن لایحه برای نمایندگان وابسته به پهلوی سنگین بود و نمایندگان احزاب ایران نوین و مردم اگر از منافع خود در برابر حکومت پهلوی واهمه نداشتند،

از تصویب آن خودداری می کردند. از سویی نمی خواستند که در تاریخ و در برابر ملت ایران شرمنده باشند و با حداقل رای آن لایحه را تصویب کردند. چنانکه اشاره گردید، حزب ایران نوین بیشتر مورد توجه شاه بود و او این حزب را پاسدار انقلاب سفید خواند و از مسئولین این حزب خواسته بود که برای ترویج این انقلاب در تمام کشور تلاش کنند و اندیشه ی آن را در افکار عمومی قابل پذیرش کنند. شاه با تمام وجود از حزب دفاع کرد و به حزب مردم اجازه داد که به عنوان حزب اقلیت تشکیلات خود را توسعه دهد.

در دوره ی بیست و سوم، مهندس علی اشرف فرخ عضو یکی از کمیته های شورای عالی تاجگذاری محمدرضاشاه و وابسته به حزب ایران نوین در این حوزه کاندیدا شد. تردیدی نیست که مهندس فرخ عضو حزب ایران نوین بود و با حمایت آن حزب توانست به عنوان نماینده ی دوره ی بیست و سوم در حوزه ی سنقر و کلیایی انتخاب شود. پدر او محمود، کشاورز ساده ای بود و او در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در سنقر به دنیا آمد و مدرک مهندسی کشاورزی را از دانشکده کشاورزی کرج اخذ کرد.

با ارتباط با دستگاه های سیاسی توانست سمت های دولتی را به دست آورد و مدتی در آذربایجان غربی معاون استاندار بود.

مهندس فرخ در دانشگاه لوگان ایالت یوتا آمریکا در رشته کارشناسی ارشد امور آب، ادامه تحصیل داد و پس از آن به ایران بازگشت.

ادامه دارد

آهنگ «پدرجان» کاری تازه از گروه موسیقی ماهور



نام جدیدترین آهنگ گروه موسیقی ماهور با صدای

جلال خزایی بر روی شعری زیبا از بانوی شاعر کرمانشاهی تارار حیمیی ساخته و تنظیم گردید. وزن ریتمیک شعر با کلماتی شیرین و روان و فضایی بسیار زیبا که بیانگر روابط احساسی لطیف و دخترانه ایست که پدر را تا مرز پرستیدن پیش میبرد. بیت بیت آن را گویی شاعر لمس کرده جلا داده و در قالب شعر به روی کاغذ آورده. از لاف ها و ناله های دیکته شده و کلیشه ای در این اثر خبری نیست. همه باور است و یقین، لبریز از احساس و دلتنگی با تشبیهاتی بسیار سنجیده و دلچسب، از شانه کردن موهایش گرفته تا

گلایه های تلخ از پاییز تنهایی، تمام این ها ابزاری شد برای آهنگساز و خواننده یاپ کرمانشاهی جلال خزایی (ماهور) و ساخت آهنگی زیبا با همین نام. ملودی این آهنگ با فضایی رویانی در آواز اصفهان ساخته شده که علاقه مندان به موسیقی خوب میدانند گوشه های این آواز برای بیان خاطرات شیرین گذشته بکار میرود و غمی همراه با افسوس به شنونده القاء میکند که در نوع خود کم نظیر است. تنظیم و ضبط موسیقی در استودیو سونات کرمانشاه توسط سعید لطفی صورت گرفته، که همراهی سلوی

پیانو و ساکسیفون زیبایی اثر را دو چندان کرده است از نکات قابل توجه این اثر ماندگار، تکنوازی نی در قسمت اینترو و آهنگ است که در فضاهای این چنینی کمتر شنیده شده و نمایشی دلچسب از تلفیق موسیقی ایرانی و پاپ است. و چه زیبا این مجموعه با دکلمه و صدای شاعر اثر با همان حس و حال دوری از پدر به پایان میرسد. در پایان شنیدن این شعر و آهنگ را به تمام عزیزان پیشنهاد کرده و بانتظار آثاری چنین دلنواز از این شاعر و آهنگساز خواهیم نشست. منبع: راه مردم

امید و نگاه واقع بینانه

ما امیدواران مایوسیم

● یادداشتی از دکتر نیره مردی

بپذیریم که سیاره ما همواره با سختی همراه بوده و خواهد بود؛ گاهی بیشتر و گاهی کمتر، حتی اگر به ترانه ها و داستان های قدیمی (از افسانه سیزیف تا ترانه های کوچه بازاری) مروری داشته باشیم متوجه می شویم که آنها هم به مضامینی چون رنج بی حاصل، بی عدالتی، غم و اندوه و ... از نور، الهام، انگیزه و قدرت را در روان جامعه ایجاد می کند. اما این امید باید ریشه در واقعیت داشته باشد.

گاهی برخی از روانشناسان اذعان می کنند که نیمه پسر لیوان را ببینید و مثبت اندیش باشید اما مسئله این است که گاهی لیوان کاملاً خالیست و گاهی لیوان شکسته و یا ترک برداشته است.. بنابراین همیشه اینگونه نیست که اگر خوشبینانه نگاه کنیم

سازش با آن باشد؛ اما این به معنای پذیرش شکست و پناه بردن به سازش نیست، تاب آوردن به معنای تحمل نیست بلکه امید داشتن یک نیروی قدرتمند است که می تواند الهام بخش افراد جامعه حتی در تاریک ترین و سیاه ترین زمان ها باشد. امید متبعی از نور، الهام، انگیزه و قدرت را در روان جامعه ایجاد می کند. اما این امید باید ریشه در واقعیت داشته باشد.

گاهی برخی از روانشناسان اذعان می کنند که نیمه پسر لیوان را ببینید و مثبت اندیش باشید اما مسئله این است که گاهی لیوان کاملاً خالیست و گاهی لیوان شکسته و یا ترک برداشته است.. بنابراین همیشه اینگونه نیست که اگر خوشبینانه نگاه کنیم



اتفاقات خوشایند بیافتد. رنج همواره در ناخودآگاه بشری حضور دارد و ما نمی توانیم آن را انکار کنیم، تار و پود دنیا همراه با رنج است.

ما باید به صورت مداوم در نگاهمان به زندگی تجدید نظر داشته باشیم. بهتر است از دنیای کاش و شاید و اگر و تخیل بیرون بیاییم و با نگاهی مسئولانه تر به جامعه و جهان نگاه کنیم و توان و نیرویی بدست آوریم که به ما امیدی بدهد تا مسیر حل مسئله

در در آبهای گل آلود رشد می کند اما تمیز و دست نخورده و خالص است. در فرهنگ چین لاک پششت نماد قدرتمندی از امید است؛ لاک پشت در حالی که با سنگینی را بر پشت خود حمل می کند اما آرام و شکبیا و در حال حرکت است و عمری طولانی دارد و نماد این است که بار جهان هر چقدر هم سنگین و دشوار باشد اما با شکبیایی قابل حمل و پذیرش است.

نمادهایی دیگری مانند اسب

برای ایجاد امید در جامعه باید مسئولیت پذیری اجتماعی را گسترش داد و هر فردی مسئولیت مدیریت هیجانات خود را بر عهده بگیرد و درک همدلانه ای نسبت به سایر افراد جامعه داشته باشد



را پیدا کنیم. ما در کنار پذیرش درد و رنج هایی که بر ما تحمیل می شود می توانیم رشد کنیم و پویا باشیم و راکد و بی تفاوت نناییم.

ما گاهی نیاز داریم که به نوعی زیست مسالمت آمیز با رنج برسیم و به جای پرخاشگری و آسیب به خود و دیگران،

شاخدار، کبوتر، اژدها، بوفالوی سفید درخت حیات و... همه نشان می دهند که انسان بدون امید نمی تواند به حیات خود ادامه دهد.

اما امید واقع بینانه و همراه با آگاهی به چه معناست؟ به نظر می رسد در شرایط کنونی هر مرحله اول پذیرش رنج و

ما امیدواران مایوسیم و در تاریکی به دنبال نور می گردیم

بی مقدمه آغاز می کنم چرا که مقدمه سالهاست با تاروپود ما آشناست؛ مقدمه، احساس ناکارآمدی، یاس، رنج، اضطراب، خشم و حال بد ماسست. مهمانی که مدت ها است در خانه ما جا خوش کرده است و قصد رفتن هم ندارد. هر چند که ما امیدواران مایوس، می دانیم که بالاخره هر آمدنی، رفتنی دارد و در پس هر تاریکی نور است و اگر تاریکی نبود، نور مفهومی نداشت.

ممکن است که به سیاه نمایی محکوم شوم اما از نگاه من روانشناس واقعیت این است که این خانه سیاه است و حال مردم این خانه خوب نیست. این نگاه بازتابی از استیصال و تیره روزی و داستان شکست خوردگانی که گاهی به مراکز مشاوره مراجعه می کنند نیست بلکه دریافت و حاصل مشاهداتی است که در محل کار و در بیرون از محل کار و در خود و در جامعه موجود است.

بعنوان یک روانشناس وظیفه خود می دانم که واقع بینانه به مسائل روانی و عمل کنم و در مسیر سلامت روانی جامعه گام بردارم. خوشبختی بی غیرواقع بینانه همانند زهری است که می تواند در طول زمان، انگیزه، توان و حتی رغبت زندگی کردن را از بین ببرد.

بنابراین بجای امید کاذب و مثبت اندیشی نامتناسب و نامعقول در جامعه، باید امیدی واقع گرایانه و همراه با آگاهی را جایگزین نمود. امید یک نگرش مثبت و نگاهی همراه با رشد و تغییر روبه بهبودی اوضاع است.

اتفاقات ناگوار و سنگین سالهای اخیر، ناامنی های اقتصادی و مالی، اجتماعی، روانی و... عرصه و خلق جامعه را بیش از پیش تنگ کرده و گاهی چنان شرایط دشوار است که خارج از توان و تاب آوری افراد به نظر می رسد و انگار دچار یاسی فلج کننده و درماندگی آموخته شده می شود و حجم انبوهی از احساسات متناقض و ناخوشایند را تجربه می کند و ممکن است به سمت انفعال و شکست پذیری و آسیب زایی و آسیب پذیری پیش برود.

زمانی که این تجربه همگانی است و رنج همگانی است مسیر بروز هیجانات و احساسات عمومی جامعه با توجه به مدیریت اصلی و اصولی می تواند تحت تأثیر قرار بگیرد. در این میان سیاست های افراد مسئول، ادیبان، هنرمندان، شاعران، جامعه شناسان، روانشناسان و سایر افراد تأثیرگذار می توانند بر روان عمومی جامعه اثرات مهمی داشته باشد و بذر امید یا ناامیدی را در جامعه ترویج دهد.

امید یکسویی از مولفه های مهم و



یادنامه

در سوگ شاعر معاصر: کیومرث مرادی

پیرو جریان مردمداری



● دکتر عباس صیدی

شهریاران بود و خاک مهربانان این دیار
مهربانی کی سر آمد، شهریاران را چه شد

زنده یاد کیومرث مرادی شاعری پر از باورهای فرهنگی و مذهبی بود. اگر از منظر ادبیات به ایشان نگاه کنیم، از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. بخشی از فعالیت های او در حوزه شعر پرداختن به شعر آیینی بود که با مفاهیمی روشن و مصادیقی بارز در کتاب "از دفتر آسمان" که در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات برگ اذین ایلام با مدیریت این جانب چاپ و توزیع گردید، تجلی پیدا کرد. در این کتاب ۵۷ صفحه ای، غزل، مثنوی و دوبیتی های او کاملاً متاثر از آموزه های اسلامی و تعلیمی است که در قلمرو شعر آیینی قرار دارد.

کیومرث مرادی در این کتاب در رثای امام حسین و امام علی ع و هم چنین موضوع انتظار و مهدویت به فراخور و متناسب با خاستگاه ادبیات و مضامین قابل آرایه از نگاه شاعران و ادیبان، توانسته است شعرش را از نظر ساختار و فرم، فضا و کاربست های زبانی و همچنین آشکار ساختن من اجتماعی خویش، صاحب ساختن ادبی همراه با عناصر موسیقی ساز، دل نشین نماید. او در این کتاب برای امام علی چنین سروده است:

تابی نهایت ابدیت ادامه یافت

مردی که تا قیام قیامت ادامه یافت

از پرده های عصمت کعبه جوانه زد

تا سجده های سرخ شهادت ادامه یافت

در این غزل زبان آوری زیبا و هنر سازهای ویژه ای چون: تشبیه، تلمیح و ترکیب های گوناگون بهره گرفته است و قدرت شاعر کاملاً در چیرگی بر معانی و مضمون پردازی و دوری گزینی از پریشانی فرم و غوطه ور شدن در ورطه ذهن گرایی محض، آشکار است. زنده یاد کیومرث مرادی به خوبی دریافته است که تعمیق در شعر آیینی معاصر یکی از مهم ترین تحولات امروزی آن است که او با پرداختن به مضامین والا توانسته است کارنامه ی درخشانی در شعر آیینی استان و کشور به ثبت برساند.

این شاعر محبوب همواره دنبال رو و تفکر اجتماعی و ادبیات شفاهی مردم و پیرو جریان مردم مداری بود و سوگ سروده های او اغلب از علاقه ی وافرش به اهل بیت علیهم السلام نشان دارد. این شاعر بر جستة در غزلی برای حضرت ابوالفضل ع چنین سروده است:

اجازه داد معلم، که از عمو بنویسم

دوبار آب من از روی دست او بنویسم

عمو که دست ندارد که آب را بنگارد

مگر ز روی دو چشمش دوتا سبو بنویسم

در این غزل که شاعر به طور ملموسی جریان قطع شدن دست ابوالفضل ع را نشان داده است، کلمات کاملاً در معنای قاموسی خود به کارگیری شده اند و از هنر تخیل و تصویر پردازی مدرن در فرم و معنای برخوردار است.

به کارگیری ترکیب هایی چون: اجازه داد معلم، از عمو بنویسم، از روی دست او، دوتا سبو و... تصویری کاملاً روشن و عینی از عاشورا را ترسیم کرده است.

از خداوند بزرگ خواهانم که پاداش سرودن اشعار این کتاب را نصیب روح گرامی شان نماید.



نه یله مه جی، نه یله مه جی...

ئه‌ئ شتیوه چۆواران شهو
وائ سمر د پائ داران شهو
تیه‌نی سمر د پهلپ تهوم
په‌ری گوما هاتی خه‌وم
تیهد وه‌لما تا ئاسمان
تاوه تۆله‌رئ که‌ش که‌شان
له هه‌لقه‌ئ مانگ تاوه بکه‌یم
ده‌و ده‌و له‌رئ کاوه بکه‌یم
هه‌ر چهن شه‌کت و میه‌نگی
مه‌له‌قد وشکه‌و تیبه‌نگی
هه‌ر چهن له‌ ناو هه‌ر د چه‌ود
که‌فتیه شوون پائ خه‌ود
ئه‌لس ک وه‌خت خه‌و نییه
وه‌خت به‌سان چه‌و نییه
به‌و تا له‌ جائ کوروو کوروو
مه‌کر و‌ریا و نه‌نگ و دروو
بچیم تا ده‌یشت چوول که‌و
تا ناو مه‌رزان پرووژ و شه‌و
زهمین دی جائ ئیمه‌ نییه
خودای خودای ئیمه‌ نییه

سه‌عید عبادت‌یان

نه‌یله‌مه‌جی، نه‌یله‌مه‌جی،
هه‌ر چکه‌بوو دووس تونم
ئه‌ر تو بچی لبتوه‌ دووم،
گوونه‌ر ئم، سه‌ر شکتم

تو گۆل بووسان منی،
کوانگ زمسان منی
سانه‌ت ئه‌لسان منی،
هه‌م تو منی، هه‌م م تونم

بال ک نه‌ئرم بپه‌رم،
تا بچمه‌مووله‌ق که‌و
پیاله‌ ده‌ ئاساره‌ بووه‌م،
جام ده‌ خوره‌ ئه‌لقه‌بنم

وت ک خوه‌ت ئاولره‌ نه‌که‌ی،
شیت ده‌ ئئ کره‌ نه‌که‌ی
شیت ک بۆمه‌چه‌ بکه‌م،
خۆن خه‌فتم، خوه‌مه‌ر سه‌نم.

حه‌بببولا به‌خشووده‌

هاتمه‌ تا بشکنم یه‌ر چین شه‌و
تا ک شه‌و له‌ ملک دَل دره‌چوووه‌ ده‌و
هاتمه‌ تا گۆل بکه‌م وه‌ساسه‌رم
بال په‌روانه‌یل بکه‌م وه‌شه‌وهرم
ئه‌رقه‌وان بارم ئه‌رِدا گۆل ئه‌رقه‌وان
ده‌نگ قه‌نار بئ ده‌م ئه‌نار شاره‌وان
هه‌ر چئ زه‌نگیانه‌ تنگس که‌ئ له‌ به‌نه‌و
خال بان بال که‌وو ده‌روه‌نه‌و

هاتمه‌ تا له‌ په‌نای ناز چه‌ه‌ود
بوو بکه‌م گۆل میخه‌که‌یل وهرقه‌ود
هاتمه‌ به‌ئ گری له‌ سائ باخ به‌یید
بووم وه‌سه‌ر گه‌رد شه‌مامه‌ئ قه‌یید
هه‌ر گۆلئ په‌نگینه‌تر به‌ر ده‌نگ هاوه‌پئ
سه‌ده‌چیه‌ک نه‌سره‌ن خوه‌شه‌ر ده‌نگ ها
وه‌پئ
هاوردمه‌ تا گشت وه‌قورواند بکه‌م
یاسه‌مه‌ن گۆل پر له‌ داواند بکه‌م

په‌رویز به‌نه‌فشی

زۆخه‌یل بئ شماره‌ئ دنیای ئیمه‌ تمام نیه‌ون

له‌شی ک یه‌خ کردۆد

سرویس
کووردی

ئمسال، سال
سه‌ختیگ بی.
وای زه‌لان شروو
کردۆده‌ ده‌مانن.
تا چه‌و کار کر دیاد

ته‌مام گه‌نم زاره‌یل ئه‌زره‌ پرئ بۆده‌ سسه‌
مژه. هه‌ر چی ئافه‌ت کوش دایمه‌ن لیان،
کار سه‌از نیه‌وی ک نیه‌وی. ئداره‌ی
که‌شه‌اورز بیه‌ش هه‌ر چی کارزانه‌ کل
کردن، رئ وه‌ جییگ نه‌وردن. چمان
ئمسال ئی سسه‌مژه‌یله‌ ده‌س وه‌ یه‌کی
کردۆن ده‌مار وه‌ رووژگار که‌شه‌اورزه‌یل
سه‌نجاوئ درارن. تا چه‌و کار کر دیاد
گیتشت زه‌ویه‌یل سییه‌ئی کر دۆنه‌ باوش.

کاعه‌لی ده‌س وه‌ زرانی نیشتۆد. ده‌س
راسی مشت کردۆد و ناۆده‌ لائ سه‌ری و
هه‌ر نوور سه‌نتیاده‌ زه‌وه‌ گه‌ئ. یته‌هه‌و
هووره‌ی پر له‌ ژاریگ چری. هه‌ی خودا
گیان یه‌ چ رووژگاریگ بی دیمه‌ چه‌و؟
خوزه‌تیه‌و وه‌ دمر گای گه‌وراو بی نه‌قسد
په‌ناهم بید و....

کاعه‌لی چه‌ن سه‌الئیگ بئ ک حالئ
خوه‌ش نیه‌وی. هه‌ئ وه‌ بان یه‌ک گه‌ن
هاوردیاد. چه‌ن سه‌ال له‌ئره‌وه‌ر کوت و
کوت پر ئنه‌گه‌ی وه‌ کیسه‌ی چئ. شه‌و
خه‌فت و شه‌وکی له‌ خه‌وانات. ژن ساق و
سالم ئه‌مان خودا ده‌فتر عومری به‌سا.
کاعه‌لی فره‌ وه‌ شه‌وونی خوسه‌ خوارد.
ته‌نیا ژن نه‌و! گیتشت دیه‌که‌ وه‌ تیان:
کاعه‌لی! سه‌یما ته‌نیا ژند نییه‌؛ پرای
هاوپیشتده‌. راس وه‌ تیان. پاله‌وانیگ بی
ئرای خوه‌ی. کاعلی ئه‌وقه‌ره‌ وه‌ داخی
گتیرست تا یه‌ک مه‌ره‌ز قه‌ن گرد!. ئه‌لان
چوده‌ هه‌ر کوو یه‌ئ کیفه‌ بوچکلیگ ها
گردی. ئۆشی ئه‌نسولینه‌ بایه‌د وه‌ سه‌ر
سات بو کومه‌ی. وه‌نه‌ چمه‌ کوما.

هه‌مرا ئ داخ ژنه‌گه‌ی سه‌یما که‌م نه‌وّد ک
له‌ شانس شه‌ری یه‌ئ رووژگه‌ره‌ که‌ی
وه‌ل ره‌فتیه‌یلنیا چه‌یه‌ ئاوه‌گه‌ی «مه‌رگ»
که‌میگ مه‌له‌ بکه‌ن و ماسه‌ی بگرن.
ئه‌مان هه‌ر ئه‌و چینه‌ بییه‌ چئن ناخری.
رووژگار گه‌ن پشه‌ت کاعه‌لی چه‌مان.
جویریگ ک سه‌ویگ دی ئرای چه‌ویلی
نه‌من. له‌ دار دونیا کاعه‌لی مه‌ن و نه‌وه‌ی
شه‌ریگ ک هه‌ر رووژ خوداوه‌ل باوه‌ و
دالگی شه‌ر نیاده‌وه‌ تیا: ئیره‌ جای
مه‌نن نییه‌ وه‌ خودا یه‌ئ رووژیش له‌
عمرم بمینه‌ی وه‌یره‌ چم.

تا یه‌ک «سامان» نه‌وه‌بیه‌ش سه‌ر ناد و
چئ. هه‌ی وه‌تیا: موه‌ کار که‌شه‌اورزی
بدم تییّد کار فره‌ و پۆل که‌م. تا یه‌که‌
یه‌ئ شه‌وه‌ وه‌ بئده‌نگیگ بچچه‌گه‌ی
جه‌م کرد و چئ و دالگی روباب و باوه‌ی
ته‌نیا ناد. چه‌ن سه‌الئیگ چی و گیتشت
فکر کردیان سامان مر دیه‌ تا ئئ سه‌الک ک
سه‌نه‌مژه‌ گیانی مژۆد ها ته‌ نابادی.

کاعه‌لی تا له‌ دۆر دیبه‌ی، هه‌ر ئه‌وجوره‌
ک هووره‌ چه‌ریاد یته‌هه‌و چمان کوچکی
خسه‌یده‌ ناخی، دی ده‌نگی وه‌ لی نات و
وشکیه‌و برد. چه‌ن گریگ بی ده‌نگ
نوور سه‌سته‌ پیاکه‌ وه‌ ده‌نگ بی نزیگ
وه‌ت: یه‌ سامانه‌ یه‌ سامانه‌! له‌ ناو دَلَم
وه‌تم: کاعه‌لی یه‌ کی سامانه‌ یه‌ ئافاته‌!
ئافات! گیتشت فکر کردیان سامان هه‌ر
ئه‌وجوره‌ ک چیه‌ی دی ئرای هه‌میشه‌
چیه‌.

یه‌ئ گل وه‌ تیان: سامان مر دیه‌ یه‌ئ
گل تر وه‌ تیان: چه‌سه‌ ته‌یران ئرای

خوه‌ی بیه‌سه‌ که‌سیگ. یه‌ئ گل تریش
وه‌ تیان: یه‌ئ رووژ له‌ کرماشان وه‌ ناو
فه‌یز ئاوا کویریگ له‌ ناو ماله‌ خه‌راوه‌یگ
دیینه‌ک فره‌ نه‌خشی جو سامان بییه‌
...چمان راس وه‌ته‌ن.

کاعه‌لی تا چه‌وی که‌فته‌ سامان وه‌ ده‌و
چئه‌ لای و سه‌ردی باوش و گورائیگور
ماچی کرد وه‌ پی وه‌ت: یه‌ وه‌ کوو بیده‌
ها؟ ئی چه‌ن سه‌ال نه‌وه‌تی له‌ شه‌وونده‌
وه‌ سه‌ر ئیمه‌ تییّد. مه‌گه‌ من و دالگد دی

رووژگار گه‌ن پشه‌ت کاعه‌لی چه‌مان. جویریگ ک
سه‌وویگ دی ئرای چه‌وه‌ییلی نه‌من. له‌ دار دونیا ک
عه‌لی مه‌ن و نه‌وه‌ی شه‌ریگ ک هه‌ر رووژ خوداوه‌ل
باوه‌ و دالگی شه‌ر نیاده‌وه‌ تیا: ئیره‌ جای مه‌نن نییه‌.
وه‌ خودا یه‌ئ رووژیش له‌ عمرم بمینه‌ی وه‌یره‌ چم...



کی داشتیم‌ها؟!
سامان که‌میگ نوور سه‌سته‌ باوه‌تیه‌و وه‌ت:
ئه‌لان جائ بی قسه‌یه‌یله‌ نیه‌؟ باوه‌ گیان
پۆل تووام پۆل! حالَم گه‌نه‌.

کاعه‌لی تا ئئ قسه‌یه‌یله‌ شنه‌فت تازه‌
ها ته‌ خوه‌یه‌و. ئمجا خاس نوور سه‌سته‌
سامان. له‌وسی وشکه‌ دایه‌ود. سر تا پای
گیانی بو ده‌ عه‌رق و چه‌ویلی بو ده‌ تک
ده‌رزی.

یته‌هه‌و کاعه‌لی ره‌نگی په‌ری و له‌جی
نیه‌شته‌ لَریه‌. وه‌ ده‌نگ نه‌زار یگه‌و
وه‌ت: چه‌وه‌ل خوه‌دا کُردیده‌ ها؟؟ تو
وه‌تی چمه‌ شه‌وون کار یه‌ بی کاره‌ گه‌د؟!
خوه‌د وه‌تی تا پۆلدار وه‌ نه‌وم نیه‌تیه‌مه‌و.
ئه‌لان یه‌ چ فورمیگه‌ ها؟؟

-سامان وه‌ یواشئ سه‌رئ خسه‌ خوار وه‌
ده‌نگ نه‌زار یگ وه‌ت: ئی باره‌ پۆل بییه‌
پیم وه‌ خودا خوه‌م خاسه‌و که‌م.

کاعه‌لی ده‌س کرده‌ گیفانیه‌و مشتیگ
پۆل داده‌ پی و وه‌ت: قسه‌یه‌ وه‌ ده‌م درای،
هه‌رمه‌ت دتَریّد.

سه‌امان در جا پۆله‌گه‌ روواکانو جوّوا
ده‌ر چی. چه‌ن رووژ یگ چه‌یه‌ و خه‌وریگ
له‌ سه‌امان نات تا یه‌ک یه‌ئ رووژ ها ته‌و
ئی باره‌ هه‌م چه‌ر کن بئ ئه‌مان دی قوت و

راس رئ کردیاد. ها ته‌ مال و دوشیگ
گرد و ریشی تاشی و دانیه‌شه‌ شان
باوه‌ی. چه‌ن مانگیگ چئ و سامان بو ده‌
کور خاسیگ تا ئمروو ک هوا ته‌م ته‌مه‌
لۆل بی.

کاعه‌لی دی وه‌ مال ئانه‌ ده‌تشیست.

ئه‌قه‌ره‌وا ها تیا د ک گیتشت وه‌ تیان:
ئه‌لانه‌ک ده‌ر و دیوار هه‌ر چی ماله‌ وه‌ بن
دراید. سه‌امان هه‌ ها تیا د و چیاد. کا
عه‌لی وه‌ پی وه‌ت: یه‌ چه‌ که‌ی؟ دی
دانیه‌شه‌. ئرا هه‌ی تییّد و چیید؟! سه‌رم
که‌فته‌ خر.

-سامان قه‌رمزه‌و بی. تا تۆیه‌نسه‌ت
چه‌وه‌ییلی داچه‌قان وه‌ ده‌نگ گه‌ورایگ
قیژانه‌ سه‌ر باوه‌ی و وه‌ت: وَلَم بکه‌ پیر
خرفت! خه‌رگ نایده‌سه‌ سه‌رم دی چه‌

وه‌ تو هۆچ ره‌بیتیگ نیه‌رید هه‌ر کاری دلَم
بتوای که‌م.

-کاعه‌لی ک ته‌مام ئاوا ته‌ییلی وه‌ ده‌س وا
دی و زانسه‌ت کوهرزا چ کلاو شوویریگ
ناسه‌ سه‌ری، یته‌هه‌و داسه‌گه‌ هاورد ده‌ بان.
ئه‌مان داسه‌گه‌ له‌ ده‌سی ده‌ر چی و داده‌
پشه‌ت مل سامان و خۆن له‌ ملی که‌فته‌
رئ.

کاعه‌لی تا چه‌وی که‌فته‌ خۆن گه‌رمه‌ک
له‌ گیان سامان چیاد، ده‌سی شله‌و بی و
ده‌نگ کومه‌ک! کومه‌کی! گووش
دیه‌که‌ پر کرد

-روبا به‌ زۆری له‌ ماله‌گه‌ ها ته‌ ده‌تشیست
وه‌ت: چه‌ بیه‌؟

- کاعه‌لی جوهر که‌چ دیوار چه‌رمگه‌و بود
له‌ شه‌رم سه‌ری خسه‌ خوار وه‌ ده‌نگ
بی نزیگ وه‌ت: م ته‌نیا تواسه‌م
بترسه‌مه‌ی.

-روباب زانسه‌ت وای زه‌لان زنگانی
گر دیسه‌ وهره‌ و له‌ هه‌له‌ و په‌له‌ چه‌یه‌ ناو
کیانه‌گه‌ تا چه‌وی که‌فته‌ سامان هه‌ وه‌
ده‌م ده‌ره‌گه‌ وشکیه‌و برد و تنه‌پته‌ وه‌ت:
کاعه‌لی کوهر بمریّد یه‌خۆ
کوشتیده‌سه‌ی! کاعه‌لی هه‌ر وه‌ ئه‌وره‌
ره‌قی برد و ته‌ک داده‌ دیوار کیانه‌گه‌،
خوز خوارد و دانیه‌شت.

مه‌رم دیه‌که‌ جه‌م بین. کا فلامه‌رز وه‌
زۆری چئ و ماشینه‌گه‌ی هاورد و روبابه‌و
سامان خسه‌ بان و جوّوا چی.

چه‌ن ساتیگ چی فلامه‌رز وه‌ خه‌ خنیگ
هات و دانیه‌شته‌ لای کاعلی. هه‌ناس پر
له‌ ژاریگ کیشه‌اد و وه‌ت: رخد نه‌چوو
سامان حالئ خاسه‌ وه‌تیه‌ بوشمه‌ بپیید:
وه‌ ئه‌روای کاکئ چوو ده‌ که‌مپ و تا خاس
نه‌ود نیه‌تیه‌یدوه‌. وه‌ت بۆشه‌مه‌ بپیید
ئرای دوعا بکه‌ی. تونیش دی خوه‌د
ناراحت نه‌که‌ وه‌ ئمید خودا ئئ باره‌ دی
فه‌رخ کیید، خاسه‌ و بۆ.

کاعه‌لی بی نز ماقتیه‌و بر دۆده‌ بان زه‌و و
هۆچ نیه‌وه‌ تیا د. یته‌هه‌و فلامه‌رز وه‌ت:
کاعه‌لی ئمه‌روو دی به‌وه‌ مال ئیمه‌،
سامان سوو موره‌ خه‌سی که‌ن ئه‌شه‌وه‌
روبا به‌ ها لای. دی بیلا یه‌ئ شه‌وه‌ له‌ید

گه‌ن بچوو چه‌ بوو ها؟! کاعه‌لی هه‌م
جوواو نیا د. فلامه‌رز هتَیر گرد و ده‌سی ناده‌
ژَیر به‌خه‌ل کاعه‌لی هتَیزی بیید ئه‌مان
نتونه‌ست. له‌ش کاعه‌لی فره‌ سنگینه‌و
بود و چه‌ن ساتی بۆ یه‌خ کردۆد

● زوهره‌ په‌ناهی



جامه‌ک

هه‌لگه‌ردانه‌یل جیاواز

پرووژ نامه‌ی پرووژ شه‌مه‌...

صادق جه‌لیلیان



مه‌زه‌ی خوه‌م که‌م و

ئه‌رام گرینگ نییه‌،

چۆ داوه‌ریم که‌ن.

چاخم، له‌رم، بالابه‌رزم، گولم،

چه‌رمیم، سه‌وزه‌م،

گشتی پیوه‌ندی وه‌خوه‌م دتَری

گرینگ بۆن یان نه‌وَن

له‌ویرا بوه‌

پرووژ نامه‌ی پرووژ شه‌مه‌مه‌

گه‌نه‌لخه‌ی پرووژ یه‌ی شه‌مه‌مه‌س.

زنه‌ی وه‌ شتیوه‌ی خوه‌د بکه‌

وه‌داته‌ک خوه‌د

وه‌گه‌رد باوه‌و ئیمان دَل خوه‌د

خه‌لک دلبان توای

مژاری ئه‌را که‌پ داين بیياشتوون

ئه‌رایان جیاوازی نه‌یری چۆنید

هه‌رم جوور ک بوّد

قسه‌ی ئه‌را وه‌تن دیرن

شاد بوو و

له‌ژاییند خوه‌شی بووه‌

شیتَر: ئه‌حمده‌ شاملوو

خه‌لک ئیمه‌ کار خاس ئه‌را یه‌ک خاس بوون هه‌ له‌
خوه‌یانا ئه‌نجام نیه‌ن به‌لکه‌ ئه‌و کاره‌ ئه‌را وه‌ ده‌س
هاوردن شه‌وینیگ وه‌ ناو به‌هیشت ئه‌نجام ده‌ن. یه‌
یانی مامه‌ل کردن وه‌گه‌رد خودا.

ئۆشن خودایام کاره‌ ییلئ ک تووه‌تی ئه‌نجام ده‌م و
له‌ کاره‌ ییلئ ک وه‌تیده‌ نه‌ دۆری له‌ لیان کردم،
تونیش وه‌ جیا ئی یه‌ئ کووشک (قصر). پر له‌ ز تَیره‌
ناو به‌هیشت بته‌ پیم و باخه‌ ییلئ ک وه‌ ناوئ جوو
شیر و هه‌سه‌ل په‌وانه‌ و هوورئ و په‌ری و فره‌شته‌ و
....!

یه‌ شه‌تیوه‌ی ویر که‌ یگه‌ک وه‌ ناو کومه‌لگای ئیمه‌
و جوو دتَری.

ئه‌مانئ ئایا ئیمه‌ هه‌ ئه‌را یه‌سه‌ک و جوو دتَریم و
چه‌وسیا یه‌سه‌ ئی خریلک بۆچه‌ک ک خری
خوه‌تیده‌ ده‌ور هه‌ساره‌ی بۆچگی

وه‌ ناو که‌شه‌کشانئ ک خوه‌ئ زمر گتَ ته‌م تووز
فره‌تر نییه‌ له‌ گه‌روایی و شکوه‌ چشه‌ته‌ ییلئ ک وه‌
ناو ئی دونیا و جوو دتَری؟

ئایا یانه‌ گشتی و جوو دتَری ک ئیمه‌ تا هه‌ر ابه‌هر
شیر و هه‌سه‌ل بخوه‌یم و ده‌س وه‌ ناو ده‌س هووری
و په‌ری نه‌نوومه‌ت بکه‌یم؟

ئاخری ک بووه‌ چه‌؟

مه‌حمده‌ ئه‌لی جه‌مالزاده‌

وه‌ختی هاتن وه‌تیانه‌سه‌ ولّاته‌گه‌م

ئافره‌ تیگی رۆت و جوان خوه‌ش دیمه‌نه‌

تۆه‌نن بووه‌نه‌ ئه‌را

ناو کام ئاوده‌سخانه‌ (آشپزخانه‌)

تۆه‌نن بووه‌نه‌را ناو کام قه‌حه‌به‌خانه‌

وه‌تیانه‌سه‌ ولّاته‌گه‌م

ئافره‌ تیگ رۆت و خوه‌ش دیمه‌نه‌

شیت و شه‌یدای کلک و مه‌مگداینه‌

خه‌له‌تیبه‌ئ وه‌

ده‌و قه‌وه‌ په‌نچ شه‌ش شانه‌

نه‌زانستن ولّاته‌گه‌م که‌عه‌س

هه‌زاران که‌س وه‌ ده‌ورتیا

پاسه‌وانه‌ ...

له‌تیف هه‌لمه‌ت

برادر گرامی جناب آقای مسعود حسنی

بدینوسیله درگذشت مادر ارجمندتان را به شما و خانواده های گرامی
وابسته تسلیت می گویم. برای آن مرحومه ی مغفوره رحمت واسعه ی
پروردگار و برای بازماندگان، صبر جمیل مسئلت دارم. روحشان شاد

هفته نامه صدای آزادی

مسک‌آزادی

بیان و چوّل و ری خالی له ریتوار
هوا دلگیر و شه و تهک داسه دیوار
تو هایدو خاو و نازاران کوشریان
هه‌ئس پهرته و هه‌ئا کهر هاته هاوار

پهرته و کرمانشانی

سال بیستم * شماره ۶۲۶ * ۸ صفحه

یادنامه

برای زنده‌یاد کیومرث مرادی

گاهی لازم نیست شاعری را
از نزدیک دیده باشی

• دکتر رضا جمشیدی

«هه‌ر که‌س بوی عشق مه‌یووه یانه‌ش

گیانمه‌و قوروان خشت کاشانه‌ش

دنیای ادبیات دنیای وسیعی است و در عین حال به دهکده‌ی کوچکی نیز می‌ماند که مردمانش زود از آثار هم‌باخبر می‌شوند.

گاهی لازم نیست شاعری را از نزدیک دیده باشی یا در همسایگی‌اش زندگی کنی و یا حتی زبانش را متوجه شوی.

کافی است که شعرهایش را شنیده باشی تا بدانی چقدر به او نزدیکی، چقدر با او درد مشترک داری، و چقدر احساس هاینان شبیه به هم هست و کیومرث مرادی از همین جنس بود.

من هرگز به دهلران نرفته‌ام و کیومرث مرادی را



هم هرگز ندیده‌ام ولی شعرهایش را که شنیدم چنان حس نزدیکی را با او احساس کردم که گویا در کوچه پس کوچه‌های سرپل‌زهاب با او هم‌بازی بوده‌ام و یا در پیاده‌روهای کرمانشاه برای هم شعر خوانده‌ایم.

من از برکت فضای مجازی دوستان و شاعران زیادی در دهلران دارم و از طریق آنها با شعرهایی کیومرث مرادی آشنا شدم.

باید بگویم که شعرهایش در اوج احساس، نازک خیالی و طراوت خاص شعر کوردی بود با آن لهجه زیبای پهلای که چه زیبا در شعرهایش خودنمایی می‌کرد.

عاشقانه‌هایش با آن جزئی نگرانی خاص‌اش واقعا شنیدنی است و دغدغه‌هایش نشان از شخصیت و انسانیت بزرگش می‌داد. کورد بودنش را با صدای بلند فریاد می‌زد و ملیت‌اش را دوست داشت.

جایگاه ادبی او بالا بود و بی‌شک مرگ او پایان شاعرانگی‌اش نیست زیرا آنچه از او به جا ماند و آنچه از توانایی و هنرش به دیگر شاعران انتقال داده تا همیشه ماندگارش کرده است.

مدیر کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه در نشست خبری با اصحاب رسانه اعلام کرد:

در مهرماه ۱۰۰ کلاس درس در اختیار آموزش و پرورش قرار می‌گیرد



اجرایی و گذاری است.

کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه؛ مهندس نظری مدیر کل نوسازی مدارس استان در نشست خبری که به مناسبت گرامیداشت روز خبرنگار که در این اداره کل برگزار شد با تقدیر از زحمات خبرنگاران، اظهار کرد: رسانه‌ها و وظیفه و بار سنگین اطلاع رسانی و جهاد تبیین را بر عهده دارند.

وی با اشاره به پروژه‌های سفر رئیس جمهور به کرمانشاه، افزود: سهم آموزش و پرورش این استان از پروژه‌های مصوب سفر یک هزار و ۲۲ میلیارد تومان بوده است که از این میزان ۵۰۰ میلیارد تومان آن از محل فروش املاک مزاد آموزش و پرورش طی سه سال تأمین خواهد شد.

مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان کرمانشاه اضافه کرد: همچنین از مجموع اعتبارات مصوب سفر تاکنون ۳۱۷ میلیارد تومان در حوزه نوسازی مدارس برای انجام کارهایی از جمله ساخت و ساز، حذف مدارک کانکسی و خرید تجهیزات مدارس تحقق پیدا کرده است.

به گفته مهندس نظری، طی سال گذشته ۵۷ میلیارد تومان تجهیزات کلاسی، اداری و هنرستان‌ها خریداری و در اختیار آموزش و پرورش استان کرمانشاه قرار گرفته است.

وی با اشاره به روند شناسایی املاک مزاد آموزش و پرورش در استان، تصریح کرد: تاکنون ۵۳ مورد ملک مزاد شناسایی و به سازمان خصوصی‌سازی معرفی شده است و هم‌اکنون در حال طی کردن مراحل

خواهد شد.

مهندس نظری خاطر نشان کرد: طی مهرماه ۱۴۰۲ مصادف با آغاز سال تحصیلی جدید، ۱۵ مدرسه شامل ۱۰۰ کلاس درس با اعتباری بالغ بر ۴۰

میلیارد تومان برای بهره‌برداری در اختیار آموزش و پرورش این استان قرار می‌گیرد.

وی به طرح‌های جهادی سازمان نوسازی مدارس اشاره کرد و گفت: هر یک از طرح‌های جهادی این سازمان به نام یکی از شهدای دانش‌آموز مزین شده است و یکی از آنها طرح شهید پناهی با موضوع حذف مدارس کانکسی و ساخت مدارس است.

مهندس نظری با بیان اینکه این طرح در مناطق محروم اجرا می‌شود، افزود: طی یک برنامه سه ساله تعداد ۱۴۵ مدرسه کانکسی در این استان با آمار ۱۰ دانش‌آموز بیشتر برداشته و به جای آن مدرسه ساخته خواهد شد.

به گفته وی، در طرح شهید پناهی تاکنون عملیات اجرایی ۶۶ مدرسه در

این استان انجام شده است و از این تعداد هم‌اکنون ۹ مدرسه به بهره‌برداری رسیده و مابقی نیز به زودی تکمیل، تجهیز و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

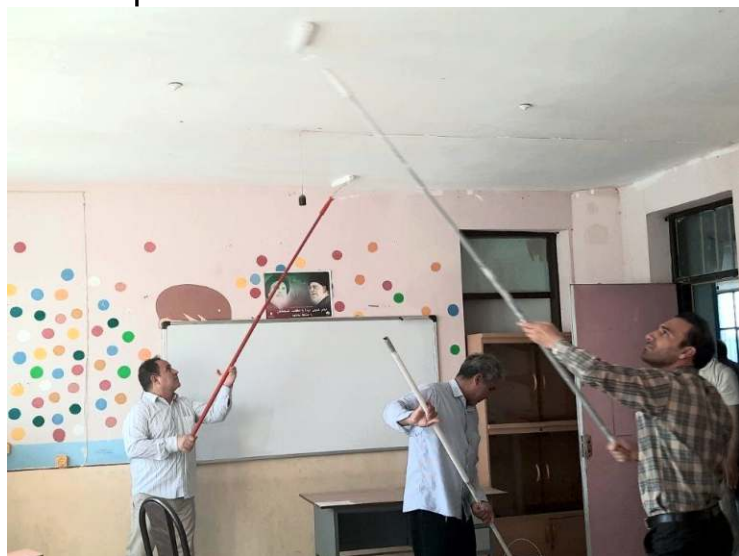
مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان کرمانشاه همچنین از

اجرای طرح شهید عجمیان در مدارس مناطق محروم این استان نیز خبر داد و گفت: این طرح با حضور گروه‌های جهادی، دانش‌آموزی و بسیج سازندگی با هدف بهسازی و شاداب‌سازی مدارس در نقاط محروم فعالیت‌هایی از جمله رنگ‌آمیزی و تعمیرات را انجام خواهند داد.

مهندس نظری با بیان اینکه طرح شهید عجمیان در گام اول در ۵۲۶ مدرسه این استان در حال اجرا است، تأکید کرد: اجرای این طرح در راستای شاداب‌سازی مدارس قطعاً در فرآیند آموزش و یادگیری دانش‌آموزان بسیار تأثیرگذار است.

با اجرای طرح شهید عجمیان

۵۲۶ مدرسه استان بهسازی و شاداب سازی می‌شوند



های بهسازی و نوسازی تجهیزات مدارس، بهره‌وری از تجهیزات معیوب و غیر قابل استفاده در مدارس و بازگشت مجدد آنها به چرخه فعالیت از اهم اهداف مهم این طرح می‌باشد.

مدیر کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه عنوان نمود: این طرح در مدرسه شهید "قیامی" منطقه آقاجان شهر کرمانشاه با حضور گروه‌های جهادی متشکل از معلمان و دانش‌آموزان آغاز به کار کرده است.

مهندس نظری؛ مدیر کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه اظهار کرد: طرح شهید عجمیان با هدف بهسازی و شاداب‌سازی فضای مدارس کم‌

بهر خوردار و مناطق محروم در زمینه‌های رنگ‌آمیزی، زیباسازی و تعمیرات جزئی و استفاده بهینه از امکانات موجود و استفاده از ظرفیت نیروهای جهادی و دانش‌آموزان اجرا می‌شود.

به گفته وی، ترویج و ارتقاء روحیه جهادی و ایجاد بستری جهت آشنایی و همکاری دانش‌آموزان، کاهش هزینه

مدیر کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه از بهسازی و شاداب‌سازی ۵۲۶ مدرسه در طرح شهید عجمیان در این استان خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اداره کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه؛ با حضور مهندس نظری مدیر کل و معاونین نوسازی مدارس، معاونین آموزش و پرورش و گروه‌های جهادی و دانش‌آموزان اجرای طرح شهید عجمیان با هدف بهسازی و شاداب‌سازی در مدارس کم‌بهر خوردار و مناطق محروم آغاز به کار کرد.

در جلسه هماهنگی مدیر کل نوسازی مدارس استان با ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی تشریح شد:

روند اجرای پروژه های دولتی و خیری



سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ضمن تقدیر از اقدامات مجموعه اداره کل نوسازی مدارس افزود: باتوجه به اینکه اساس توسعه جامعه آموزش و پرورش است نهایت تلاش و حمایت خود را جهت رفع مشکلات و کمبودهای اعتباری بعمل خواهد آورد.

مهندس نظری مدیر کل نوسازی مدارس و دکتر نوروزی رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه در سازمان مدیریت و برنامه ریزی برگزار شد. مهندس نظری؛ مدیر کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه ضمن ارائه عملکرد اداره کل، در

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اداره کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه؛ به منظور هماهنگی بیشتر میان سازمان مدیریت و برنامه ریزی و اداره کل نوسازی مدارس استان جهت تسریع در روند اجرای پروژه‌ها و اعتبارات هزینه‌ای جلسه‌ای با حضور



آگهی مناقصه

۱۴۰۲/۱۱

شرکت مخابرات استان کرمانشاه

مخابرات منطقه کرمانشاه در

نظر دارد نسبت به واگذاری

عملیات طرح شبکه کابل نوری

در سطح استان کرمانشاه از

طریق مناقصه عمومی اقدام

نماید. متقاضیان می‌توانند

جهت کسب اطلاعات بیشتر به

آگهی مناقصه در سایت شرکت

مخابرات ایران به آدرس:

www.tci.ir و مخابرات منطقه

کرمانشاه به آدرس: BK.tci.ir

مراجعه نمایند.

شماره تلفن های تماس:

۳۷۲۹۲۱۳۸-۳۷۲۹۸۴۴۴

مخابرات منطقه کرمانشاه